PROPERTY OF ACKU

هفته نامه

اتحاد اسلامی

بیانگر آرمان اتحاد اسلامی افغانستان

درسهایی از قیام و شهادت امام حسین (رض)

ص(۲)

عامل اصلی واساسی بدبختی های کشور

ص (٤)

شماره، مسلسل(۲۳۵)سال دهم ـ شماره، (٤٠) ـ سه شنبه (۷)سرطان ۱۳۷۳ هـ ش ـ (۱۹) محرم ۱٤۱۵هـ ق (۲۸)جون ۱۹۹٤م   قیمت (٥٠) افغانی (یك روپیه)

الله اکبر * الله اکبر * الله اکبر * الله اکبر * الله اکبر * الله اکبر * الله اکبر * الله اکبر * الله اکبر * الله اکبر

شهر کابل از لوث وجود ملیشه ها پاکسازی شد

- تمام لانه های فساد ملیشه ها درکابل توسط مجاهدین ونیروهای دولت اسلامی تسخیرگردید.
- (۳..) تن ازملیشه های جنایتکارکشته وتعداد زیادی مجروح و(٥..) تن دیگر شان به اسارت مجاهدین درآمده اند.
- بلاك های مکروریان کهنه ،تانگ تیل لوگر،قلعچه، کارته نو واطراف آن ،شاه شهید، نقلیهء سیاه سنگ، فابریکه قیر، قلعهء زمان خان به تصرف مجاهدین دولت اسلامی در آمد.
- پیشروی نیروهای دولت اسلامی بسوی سائرلانه های فساد دشمن که مردم مظلوم کابل را ازآنجا به راکت می بستند،ادامه دارد. ص(۸)

داتحاد اسلامی مجاهد مشر پروفیسر عبد رب الرسول سیاف د(بی بی سی) سره په مرکه کی:

- همدا نن چی مطمئن حالت را منځ ته شی بنایی استاد ربانی دقدرت پریښودو لاره کی خنډ واقع نشی
- زموږ دملك لانجه چی دداخل نه حل نشی دبهرنه نه حل کیږی
- که دمشرانو ټولیدوته په هرځای کی ضرورت پیښ شی زه دورتگ په لاره کی خند نه وینم (۸) مخ

دده دانا، دوغ آباد اودارالامان ماڼی داسلامی اردوترکنترول لاندی راغلی

- ددارلامان په ماڼی کی (۱۵)تنه بهرنی اتباع نیول شوی
- په دی عملیات کی داسلامی اردوله پوځیانوسره دحرکت اسلامی محسنی مجاهدینو اوره په اوره برخه درلوده (۸) مخ

تسخیر نیرومند ترین سنگر های ملیشه ها را به مجاهدین قهرمان و ملت شهید پرور خویش تبریک عرض میکنیم.

بنام خداوندی که بی اندازه مهربان و نهایت با رحم است

سرمقاله

نن بیا دټولو دامید سترگی مجاهد ومشرانوته دی

نن دکابل غم ځپلی اوویږلی ښارچی له پردو زیات خپلوغمولای خپل غیږه وهغو قهرمانانوته پرانستی چی دسولی ، روغی جوړی اودمسلمانانو خیراومصلحت توغ په ټول شهامت سره پورته کړی او دهیوادله کوزاوبرنه دکابل په لوورهی دی ، ځینی یی را رسیدلی اوځینی یی بیا پرلاردی اوځینی نور ددوی په بلنه کابل ته دتگ تیاری نیسی ...

دا دخیراو سولی و قدونه ټول مجاهدین دی اودهغو جهادی شخصیتونوپه مشری کابل ته ورغلی دی چی دجهاد او مبارزی پر تمین او بر میال تاریخ اوزوکړه لری ، هیله کیږی چی داځل به که خدای جل جلاله کول ـ دهیواد دا روانه غمیزه پای ته ورسوی .

هوا څه دپا سه دوه کاله کیږی چی دافغانستان دواکمنی فضا خړه پړه ده او دکمونستانواو ځینی نورومرتی اوپټولاسونو دلاسو هنو له لامله ـ تراوسه مجاهد مشران په دی نه دی بر یالی شوی چی په خپلومنځو کی یوه متفق علیه پریکړی ته ورسیږی اوپه افغانستان کی دواکمنی ستونځه حل کاندی ... دی کشالو زموږ غم ځپلی ملت ته خوراستر مشکلات وزیږول او کمونستان دمجاهد مشرانو د عمومی عفوی نه په گټی پورته کولو سره په دی و توانیدل چی دافغانستان ځینی آبادی سیمی خاصه توگه کابل هم وران ویجاړاو دخاورو ایرو په کنډوالو بدل کړی ـ ددوی دمرتد و ملیشو له لاسه دکابل ښاریان هغی ورځی ولیدلی چی دجاهلیت په دوران داسلام له راتگ نه مخ کی او آن دلرغونی افغانستان په تاریخ کی یی هم مثال نه لیدل کیږی ...

خو له بله پلوه دهمدغو ملیشو دموجودیت په بهانه دکابل ښاردحزب اسلامی دراکټونو ترباران لاندی خاوری ،خاوری شو- او په بل کال دهمدغوملیشو په پلوی دا کارترسره شو ـ لنډه یی دا چی که زموږ پرملت په عمومی توگه او زموږدهیواد پرپایتخت په خصوصی توگه دغم کوم غوبل جوړشو دا ټول دکمونستانو او دهغوی دملیشو دفعال پاتی کیدلو په وجه و... دهمدغو دووکلونو په جریان کی زموږ دملت مجاهد شخصیتونه په جنگ کی داخته لوربوترمنځ دروغی جوړی راوستلو لپاره خپلی هلی ځلی جاری ساتلی یووخت (۷)مخ

شکست ملیشه ها، پایان کار ائتلاف هماهنگی!

با فرارسیدن پایان میعاد ریاست جمهوری محترم استادربانی واعلام وی مبنی براینکه فقط درصورتی حاضر به کناره گیری ازریاست جمهوری خواهد بود که یك شورای نماینده ملت به تشکیل حکومت جدید رای موافق دهد، گذارشهائی دردست بود که نیروهای مخالف درترکیب شورای هماهنگی قصد حمله، جدیدی را به کابل دارند. بعبارهء دیگر نیروهای مخالف دولت یکباردیگرقصد گشودن گره را با دندان داشتنددرحالیکه اینکاربا دست به آسانی ممکن ومیسربود. همان بود که نیروهای وزارت دفاع برای جلوگیری از این حمله، به حمله، پیشگیرانه دست زده و در نتیجه دو سنگر مستحکم ائتلاف هماهنگی یعنی بالاحصار و تپه، مرنجان را فتح و ملیشه ها را قلع وقمع نمودند.

عدم موافقت استاد ربانی به کناره گیری ازقدرت درختم ماه مسیحی جاری به این معنی نیست که وی قصد دارد به هر قیمت ممکن به این مقام باقی بماند بلکه تاکید وی براین اصل است که قدرت باید ازطریق یك مرجع با صلاحیت که ازاعتماد مردم برخوردارباشد به دولت جدید منتقل گردد. بهترین مرجع که میتواند ازملت نمایندگی نماید یك شورای اسلامی متشکل از علما، قوماندانان جهاد، شخصیت های مورد اعتماد چون بزرگان قوم وروشنفکران که در دوران جهاد ازقیام حماسه آفرین ملت قهرمان افغان دربرابرروس و مزدوران شان حمایت نموده اند می باشد.

دولت قصد داشت ازطریق تفاهم با تمام تنظیم های جهادی وجلب کمك وهمکاری آنان قبل از فرارسیدن پایان میعاد کاردولت وحکومت چنین شورائی را دایرنماید اما کمونیست ها وملیشه ها که بعد ازسرنگونی رژیم نجیب تحت نام جنبش ملی اسلامی شمال قصد بازگشت به صحنه، سیاسی کشوررا داشتند، ازاین مسئله احساس خطرجدی نمودند زیرابا توجه به اینکه در شورای حل و عقد نه تنها به آنها سهمی داده نشد بلکه علی الرغم تلاش های آنان ازجنبش حتی بعنوان یك گروه سیاسی نامی هم به میان نیامد. کمونست ها وبقایای رژیم سابق که خود را در آستانهء نابودی حتمی می دیدند با استفاده ازحس قدرت طلبی بعضی عناصرآنها را درترکیب یك تشکل جدید بنام شورای هماهنگی باخود برضد دولت همراه ساختند ودر سالروز تاسیس حزب دیموکراتیك خلق (اول جنوری مطابق به۱۱جدی)دست به یك کودتای نافرجام علیه دولت زدند. نیروهای دولتی با بیداری تمام این کودتا را ناکام ساخته وضربات سنگینی را به کودتاچیان وارد آوردند. ازآن تاریخ به بعد جنگ جدیدی برشهریان کابل تحمیل گردید وصدها هزارنفرازآنان مجبوربه ترك کابل و پناه گرفتن درکمپ های مهاجرین درنزدیکی شهرجلال آباد گردیدند که زندگی دراین کمپ ها بعلت عدم موجودیت وسایل لازم زندگی ازجمله کمبود آب و غذاواقعاً مشکل و توانفرساست.

کودتای یازدهٔ جدی و سلسله جنگ های بعد ازآن هرچند موجب سقوط دولت نشد ولی مشکلاتی را نیز برای دولت موجب گردید. محاصرهء اقتصادی شهرکابل وبسته شدن راه ها وآتش پیهم سلاحهای سنگین طرف مقابل برمناطق مختلف شهرکابل ازجمله تاسیسات دولتی خسارات غیر قابل تلافی بمیان آورد و به دولت موقع نداد تا شورائی را که درنظرداشت قبل ازختم میعاد دورهء ریاست جمهوری استاد ربانی فراخواند.

شورای هماهنگی برای اینکه نیروهای دولت را درسراسر افغانستان درگیرجنگ سازددرنقاط مختلف آتش جنگ را برافروخت که مهمترین آن اشغال شهر قندز برای مدت کوتاه بود که بعداً با شکست مفتضحانه از شهربیرون رانده شدند وبرای اینکه مناطق امن را نیز ناامن جلوه دهند ازهیچ اقدام تحریك آمیزخودداری نورزیدند. ازجمله حملات هوائی گاه ناگاه برمناطق مختلف ولایت هرات ازجمله شهرهرات قابل ذکراست.

طولانی شدن جنگ ها که شورای هماهنگی بردولت تحمیل کرد این واقعیت را به اثبات رسانید که شورای هماهنگی برد نظامی ندارد ونمیتواند مسئله را از راه نظامی حل کند واین خودبه معنی بن بست درجنگ برای آنان بود. وقتی جنگ به بن بست برخورد باید به تلاش های صلح مجال جولان داد اما متاسفانه حزب اسلامی دیگر بصورت مستقل حاضر نیست با مجاهدین به مذاکره بپردازد بلکه میخواهد درپروسهء صلح، ملیشه های دوستم هم بعنوان یك طرف برسمیت شناخته شده و شرکت داده شوند وهمین مسئله تلاش های صلح ازطرف مصلحین را نیزبه بن بست کشانیده است.

بالآخره ستر جنرال اسماعیل خان والی هرات برای حل این معضله قدم به جلونهاد. از آنجا که اسماعیل خان ازاحترام جهت های مختلف برخوردار بود امید می رفت که حاصل تلاش های وی مثمرثمر باشد. وی با حکمتیار در چهارآسیاب دیدار نمود واظهار امیدواری کرد که حکمتیارنه تنها ازپروسهء جدید صلح و تفاهم حمایت نماید وحتی در گردهمائی هرات نیزشرکت کند.

در حالیکه امیدواری های جدید بوجودآمده بود حکمتیارنمایندگانی را برای مذاکره بادولت تعین نمود ولی نه بعنوان نمایندگان حزب اسلامی بلکه تحت نام نمایندگان شورای هماهنگی، در حالیکه اسماعیل خان قبلاً به حکمتیار خاطر نشان ساخته بود که درطرح جدید صلح وی ملیشه ها سهمی و نقشی ندارند.

با فتوحات اخیر دولت و شکست فاحش ائتلاف هماهنگی و از دست دادن چنین پایگاههای مهم، در آیندهء نزدیك باید انتظار تحولات جدیدی را هم در بخش نظامی وهم در ساحهء سیاسی داشت. بااین شکست ها بقای شورای هماهنگی نیز به خطر جدی مواجه شده است.

درسهایی از قیام و شهادت امام حسین (رض)

تاریخ اسلام حوادث دردناك و مصائب اندوهباری را بیاد دارد که گهگاهی به سراغ امت اسلامی آمده و نقش خونین واحیانا درخشان خود را دردل ایام و عصور بیادگار گذاشته است.

حادثهء کربلا یکی ازخونین ترین حوادث تاریخ اسلام است که تا قیامت خاطرهء آن ازدلها نمیرود وبا حلول هرسال نو هجری خاطرات غم انگیزآن تازه می گردد و هرمومن صاحب اندیشه و فکر را برآن وا می دارد که درمورد جنبه های مختلف قیام دلیرانه وشهادت مظلومانهء امام حسین و اهل بیت مطهرش رضوان الله علیهم اجمعین بیندیشد و از این بحرایثار و فداکاری وشهامت وشهادت گهرهائی فرا چنگ خود آرد و آنرا مشعل راه زندگی خویشتن قرار دهد. راستی چرا امام حسین (رضی الله عنه)قیام کرد وچرا با تعداد انگشت شماریاران و اهل بیتش به مقابل لشکر بیشمار و بیرحم یزید شتافت؟آیا نمیدانست که اهل کوفه از عهد و پیمانی که با وی بسته بودند، برگشته اند؟! آری میدانست! و آیا نمیدانست که با برگشتن تعداد زیادی از همسفرانش از وی، شمار سپاهیانش بحدی نیست که حتی نیم فیصد شانس کامیابی اش را متضمن باشد، مگر اینکه معجزه یی بوقوع پیوندد؟ آری،میدانست...امام عالی مقام همهء این چیز ها را میدانست، او می دانست که معرکه ئی که در پیش دارد معرکه ئی است در بین سپاهی منظم که افراد آن به سی هزار تن می رسد و مجهز با همهء انواع وسائل حربی است و سپاهی نا منظم که فقط از هفتاد و دو تن و یا اندك بیشتر تشکیل یافته و جز سلاح ایمان از وسائل جنگی چیزی در دست ندارد. ومی دانست که یزید تشنهء خون اوست و می خواهد از وی که بیعتش را نپذیرفته بُود، انتقام بگیرد. با اینحال آیا این اقدام امام حسین(رضی الله عنه) حکم خودکشی را نداشت؟...نخیر... زیرا امام حسین (رضی الله عنه) نواسهء رسول اکرم(صلی الله علیه و سلم)و شاگرد خاص مدرسهءنبوت بودند که همهء مراحل تعلیم و تربیت شان زیرنظر مستقیم پیامبر گرانقدر اسلام (صلی الله علیه و سلم) صورت گرفته بود، وایشان از دانشمند ترین اصحاب رسول خدا و از پارسا ترین افراد خاندان نبوت بشمار می آمدند لذا از امکان دور بود که به عملی غیر حکیمانه وغیر اسلامی دست بزنند.

پس قیام حسینی یکی از ایجابات آن مرحلهء مهم تاریخ اسلام و کاملاً منطبق بر احکام و اصول و موازین شرعی و اسلامی و از دیدگاه شرع کاملاً ضروری بود

آن قیام اگر چه با موفقیتی همراه نبود و به چنان فاجعهء درد انگیزی منتهی شد که تا قیام قیامت درد آن در دل مسلمانان، تازه و غم آن تکرار می گردد. اما درسهای زیادی در آن قیام خونین و مبارك برای مسلمانان نهفته است ودرمسائل بسیاری آن شهادت بزرگ می تواند، مشعل راه ایشان باشد.

از قیام امام حسین (رضی الله عنه)میتوان دریافت که سکوت دربرابرظالمان و فاسقانی که احکام اسلام را زیرپا می کنندوبه عوض احکام الهی، خواهشات وهوی هوس نفسی خود را برزندگی مردم حاکم می سازند، روانیست، و باید دربرابر چنین ستمگران قیام کرد،

بنابرین قیام مسلمانان مبارزو مجاهد درکشورهایی از قبیل الجزایر، مصر، سوریه و...که حکومت های ظالم و مستبد و مخالف اسلام زمام قدرت را به دست دارندنه تنها مشروع و جائزبلکه فرض است، ولو این حکومت ها ادعای اسلام نمایند و اسمای حکام شان اسلامی باشد زیرا یزیدیان نیز اسمای اسلامی داشتند و ادعای مسلمانی می کردند، ولی اعمال و کردار شان سراسر منافی اسلام بود، لذا امام حسین (رضی الله عنه)با استنادو اتکاء به نصوص قرآنی و تعلیمات نبوی (صلی الله علیه و سلم)علیه آنها قیام کرد و فریضه ئی را که بدوش مبارك اوبود، ادا نمود.

ص(۷)

زمورد دریغ حقانیت

کمونستان اونوری التقاطی ډلی که په ظاهره کی دځینو مقطعی ضرورتونو په وجه مجاهدینوته دملگرتیا لاسونه اوږده کړی او یا ځان دهغوی دواکمنی اوحکومت تابع وښیی ویه ښیی، مگرحقیقت دادی چی دوی اوپه عام ډول کفاردتاریخ په هیڅ پړاو کی مسلمانانوته عموماً اوپه مسلمانانو کی مجاهدینو او دفکر او سیاست خاوندانوته خصوصاً وفادار نه دی پاتی شوی اودادالله جل جلا له دابدی وینا عمومی مصداق دی چی فرمایی: یهود اونصارا هیڅ کله لتا نه - نه راضی کیږی ترهغه چی ته دهغوی ددین متابعت وکړی - دنجیب حکومت له رانسکوریدو نه وروسته کومی هلی ځلی چی زمونږ دهیواد ملحد ینو په دی خاطر کړی دی چی له یوه پلوه پری نړدی چی په افغانستان کی د مجاهدینو حکومت په خپلو پښو ودریږی اوله بله پلوه مجاهدین په خپل منځی اختلافاتو کی دومره مشغول شی چی دوی ته دچا پام قدری هم و نشی هرچاته ښکاره دی وگوری چی کمونستانو له دی انگیزنو سره سره دوی ته عمومی عفو هم شوی وا

اصلاً خو خبره داسی وه چی نړیوال استعمار دکمونستانو په استخدامولو سره جهاد، مجاهدین او اسلامی حکومت دنړیوالوپه ذهنیتونو کی دومره و ټکوی چی په راتلونکی کی اسلامی امت داسلام ددی ابدی ارزښتونو په باب شکمن کاندی اوداسلام دښمنانوته دازمینه مساعده کړی چی د اسلامی غورځنگونو په ځپلوکی بی له کومی ویری او ترهی مخ په وړاندی لاړشی...داچی کمونستانو څنگه وکولای شول په دی بریالی شی چی دمجاهدینو په تشکیلاتو کی لاره پیداکړی دا کار ددوی په خپلو سیاسی لوبو پوری اړه نیسی، لنډه دا چی دوی بریالی شول چی دمجاهدینونقشوپه اخلا لولو او سبوتاژکی فعال نقش ولوبوی ...

دخلقیانو، پرچمیانو او دهغوی دملیشو فعال موجودیت اودهغوی په مخ کی دملیشووحشی ملحد قوماندان(دوستم)مطرح کیدل د مجاهدینو د اخوت فضا خړه پړه کړه.

اتحاد اسلامی افغانستان ددی قضا یا ووپه وړاندی دمجاهدینو واکمنی په اولو شیبو کی په دی عقیده وچی کمونستان اودهغوی ملیشی - نوری التقاطی ډلگی او اجیر عناصر، هیڅکله ددی وړنه دی چی د مجاهدینو داعتماد وړ وگرځی - دا خولالری خبره ده چی په سیاسی او نظامی چاروکی برخه ورته قایل شی.

دملیتونو د حقوقو جعلی مسئاله، نشنالستی انگیزنو ته لمن وهل دافغانستان دتجزیی هنگامی او دمجاهدینو په منځ کی دبی اعتمادی، شکوکو اوجنگونو ولاړول داټول هغه مسایل وچی همدغه منحرفو ډلو ټپلو داستعمار په اشارو اودخپلو گټو دخوندی کولوپه خاطررا ولاړکړی وو-نوله همدی لامله له یوه پلوه ددوی اعتقادی جوړښت موږته دمنلووړنه واوله بله پلوه ددوی موجودیت دافغانستان په سیاسی، نظامی او ملکی تشکیلاتوکی.

همدارنگه موږویلی ووچی دحزب اسلامی ورتگ دکمونستو ملیشو او نورو منحرفو نامقدس ائتلاف ته دگټی پرځای تا وان ورته کوی اودتیرکال جدی دیولسمی کودتا نه وروسته بیا ترننه پوری موږپه دی عقیده یوچی دا ائتلاف په دی خاطربقانه لری اوبوه ورځ نه یو ورځ حتمی ماتیدونکی دی چی دبقا عنصرپه کی نه لیدل کیږی اودوحدت له قوت نه دانتشاراوماتیدو قوت یی زیات دی ... ځکه ددی ائتلاف دوه هدفونه وو، یوداچی کمونستانو غوښتل چی ددولت په پرځو لو سره دمجاهدینو عمومی برم مات کړی - دوی هم دقدرت گدی ته ځان ورسوی اوهم دخپلو دسیسو په دویم پړاوکی هغه مجاهدین له منځه یوسی چی په دی توطیه کی ورسره شریك شوی وه - اودویم هدف یی دا وچی دحزب اسلامی په گډون ځینی نوری غربی

(۷)مخ

په تاجکستان کی دروسانود ماتی پیلامه

ځوورځی وړاندی دتاجکستان ددفاع وزارت مرستیال رمضان رجبوف دځلورو نوروپوځی صاحب منصبانو سره د تاجکستان موکزدوشنبی په شمال ختیځی سیمی «ګرم» کی ووژل شول ددی سربیره تیره اونی دتاجکستان «دقرغان تیپی» په سیمی کی یوبل روسی پوځی هم ووژل شوچی په دی توګه تیرودوو اونیو کی دچریکی عملیاتو په ترځ کی،روژل شووروسی پوځیانو شمیر اتو تنوته ورسید.

په تاجکستان کی دچریکی عملیاتو دی نوی پړاو،روسان اودهغوی ګوډاګی کمونستان دسختی ویری اووارخطا یی سره مخ کړی ځکه هغوی په دی هڅه اولګه کی وچی د تاجکی مجاهدینو هڅی شنډی کړی ،سرحدی پولی پری وتړی دهغوی تګ راتګ باندی بندیزولګوی ، اوکوم ټک ټوک هم چی کوی هغه هم دبهرنی مداخلی په نامه وځپی، لنډه دا چی هغوی نه غوښتل چی په هیڅ صورت کی تاجکی مجاهدین په دی بریالی شی چی دتاجکستان په بیلا بیلوښارونوکی منظمی حلقی اوډلی ولری ،ترڅوهغوی په دی و توانیږی چی په سرحداتوکی دمجاهدینو هڅی شنډی کړی اوکوم مهاجرین هم چی افغانستان ته تلی

هماغلته دخپلو ګوډاګیانو له لاری داسی تر فشار لاندی راولی چی مجبورشی بیرته هیواد ته راستانه شی ، په دی برخه کی اودی هدف ته درسیدو په خاطر روسانو تاجکستان دکمونستانو په ګډون زیاتی هڅی اوفعالیتونه وکړل ،دخپلی جاسوسی اداری له لاری دخلکو جدی څارل او تعقیب پیل کړداسی چی چا نشو کولی حتی په خپل کورکی آزادانه خبره وکړی جاسوسی اداری ته یی تړلو ادارو زیات امکانات په لاس کی ورکړل ترڅو په دی برخه کی ګرځندی

ګامونه واخلی، دافغانستان، تاجکستان پولی یی ټولی بندی کړی هلته یی زیات شمیرروسی پوځیان ځای پرځای کړل ترڅودخلکو دتګ راتګ مخه ونیسی ،څوځلی دافغانانو دویرولو په خاطرچی بایدتاجکی مجاهدینو سره مرسته ونکړی کنی مونږبه یی ځواب ورکړو دافغانستان سیمی بمبارد کړی او دفرهنګی، تبلیغاتی وسایلو او ځینواداروله لاری یی دخلکو دبی بندو باره کولو کارونه پیل کړل ترڅوهغوی په آزاد ژوند فضا اونورومسایلوکی بوخت وساتی اودی خواته یی پام ونه ګرځی ځکه هغوی دافغانستان له ځوارلس کلنی جګړی دا تجربه اخیستی وه دوی پوهیدل که یوځل په خلکوکی داسلام اوکمونستی رژیم پرضد روحیه را وپاریده بیایی دافغانستان په څیرماته مقدرده خوځه لاس ته ورنغلل نه یی دافغانستان سره پولی وتړل شوی نه یی دتاجکستان په دننه سرحدی سیموکی دتاجکی مجاهدینو مراکز له منځه یوړل شول اونه یی په خلکوکی داسلامی جذبی دراپورته کولوروحیه ووژلی شوه.

اوس چی دټولوفشارونوسره سره دتاجکستان په بیلا بیلوښارونوکی دمجاهدینوهڅی اوډلی لامنظمیږی

اوپرله پسی بریالیو چریکی حملویو نوی باب پرانیستی روسان اودهغوی کمونست ګوډاګیان سختی ویری په مخه کړی دا هغه څه دی چی مخه نیول یی ګران کار دی، اوس روسانو اودهغو کمونستو ملګروته هرتاجکی مجاهداومخالف ښکاری نه په آزاده توګه تګ راتګ کولی شی ،نه په دفتر کی محفوظ دی نه کورکی اونه هم په لاری، ځکه دی چی اوس دوی دبیلا بیلولارودا هڅی پیل کړی اوپه لاره واچوی ترڅو دتاجکستان مسلمان مجاهدین

اودهغومشران تیرباسی دیوی خوایی دایرانیانو په مرسته داسی هڅی روانی کړی چی دتاجکستان حکومت اومجاهدین سره پخلاکړی څوځلی دهغوی ځینی افراد په ایران کی دتاجکستان حکومت له هیئتو نوسره کینولی ترڅوبوی نتیجی ته سره ورسیږی اوتردی راوړاندی داچی رفسنجانی په زغرده یوی بیانیی کی وویل مونږحاضریوچی تاجکستان ته دسولی دراوستلو په خاطرخپل پوځونه ولیږو ښایی دابه پردی نه پوهیږی لکه څنګه چی دروسی پوځونوموجودیت هلته مداخله ده هماغسی دایرانی پوځونو موجودیت هم مداخله ده خیر په هرصورت دوی داهرڅه ددی لپاره کوی چی دتاجکستان حکومت او مجاهدین سره پخلا کړی اوپه دی توګه دتاجکستان کمونستان له ماتی اوتیښتی نه وساتی.

دبلی خوا روسانوهمداډول هڅی په لاره اچولی ترڅو مجاهدین دکمونستانو سره پخلاکړی اوکمونست رژیم له نسکوریدو وژغوری هغوی څو ځلی ددی هڅی وکړی چی په ماسکو کی دتاجکستان دکمونست حکومت مشران دمجاهدینو له هیئت او مشرانو سره کینوی او هغوی یوی نتیجی ته سره ورسوی خو بریالی شوی نه دی.

داسی ښکاری چی دتاجکستان مسلمان مجاهدین اودهغوی مدبرقیادت پو هیدلی چی جهاد دبری لار ده ځکه یی د سولی خبروته چندان توجواواهمیت نه دی ورکړی او دهغه پر ځای یی چریکی اوعمومی عملیات لا ګړندی کړی دا علمیات په تاجکستان کی دروسانو دماتی پیلامه شوی هغوی نورهیڅ ځای کی ځان نشی ساتلی او چی په کوم ساعت ددوی پښه له تاجکستان څخه وښوییده د کمونستی حکومت او ملحدینو نسکوریدل به ورسره وی ځکه چی کمونستی رژیم روسانو ټینګ کړی که تاجکی کمونستانوبه خپله دا توان درلودی روسان به یی نه راغوښتل اواوس چی روسان خپله ویری په مخه کړی ژرده چی دتاجکستان مسلمان وګړی به داسلامی حکومت په سیوری آزادانه ساه وکاږی.

اعترافات جریدهء شهادت

این اعترافات ازنوع همان اعترافاتی است که ملیشه های قلم بدست شهادت از نوشته های دیگران استنباط می کنند ، این اعترافات بقلم ملیشه یی است بنام شبنم انصاری که مایوسی ناشی ازشکست ورسوائی کودتای کمونستی یازدهء جدی او را وادارساخته که مرتکب سرودن این شعر شود:

ازجنگ وجدل امروز واژون شده این کشور
از«فتنهءحکمتیار»درخون شده این کشور
روزوطن ماشد همچون شب تار ای وای
بنگرکه زبمباری واژون شده این کشور
«دوستم» ستم پیشه افگنده نفاق وجنگ
جاری شده خون هرجا هامون شده این کشور
«حکمتیاررااکتیار» بیهوده «سخن گوید»
ازظلم «مزاری»ها چون نون شده این کشور
ملت همه بی خانه افسرده و آواره
«ازوحشت حکمتیار» دلخون شده این کشور
«برباد شد»این کشور«نفرین به هماهنگی»
«تخریب شد» این کشور«نفرین به هماهنگی»
برباد شده کشور دردام بلا افتاد
ازفتنهء بیدینان افسرد و زپا افتاد
«دجال مزار» آمدبا جمع کمونستان
دردا که وطن امروز درچنگ بلاافتاد
ازسازش «حکمتیار» با دستهء یغماگر
ملت به ستوه آمد ازشهرجدا افتاد
مفرورشده مردم از شهرو دیار ای وای
از«جنبش» بیدینان کابل بکجا افتاد
«برباد شد» این کشور« نفرین به هماهنگی»
«تحریب شد» این کشور«نفرین به هماهنگی»
افسرد زبمباری «دیوانه »شده کابل
«از ظلم ملیشه ها»غمخانه شده کابل
آواره شده ملت ازفتنهء «حکمتیار»
ببریده دل ازکشوربیگانه شده کابل
کابل شده آغشته درخون وبخاك افتاد
ازشورش «حکمتیار» بتخانه شده کابل
«از شورش حکمتیار» این خاك دل آزرده ست
ازراکت «حکمتیار» ویرانه شده کابل
«من شبنم بی مقدار هستم تُف حکمتیار»
«مارا چه اگر دایم»غمخانه شده کابل
«برباد شد» این کشور« نفرین به هماهنگی»
«تخریب شد» این کشبور« نفرین به هماهنگی»

***

با تشکر از شمارهء (۳۹) شهادت منتشرهء پنجشنبه (۲)سرطان-۱۳۷۳- اگر از این شعر رنگین ملال سنگین بر خاطر تنگین سران ائتلاف پدید آید ما را قصور نباشد که این جرم را شهادت خود مرتکب شده و ما آنرا اقتباس کرده ایم!!

عامل اصلی واساسی بدبختی های کشور

سالهای پس ازکودتای کمونستی هفت ثور ۵۷ و تجاوز نظامی و لشکرکشی اردوی سرخ.سیاه ترین دوران رنج وبدبختی کشورما بحساب می رود.

مردم زجرکشیده وستمدیده، مادرطی سال های جهادبابذل جان،مال واولادتا پیروزی نهائی انقلاب اسلامی، صادقانه ومخلصانه درسنگرجهادباهمه مشقات وسختی های آن با صبروثبات کامل قرارداشتند واساساً جهاد افغانستان،جهاد یك تنظیم و یك قشروگروه نبوده بلکه یك جهاد مردمی وسراسری بوده است.

ولی پس ازپیروزی جهادوتشکیل حکومت مجاهدین،برخلاف توقع وانتظارمردم بلادیده، ما و مسلمانان مستضعف دنیا ،باب صلح، امنیت، آرامش، آسایش،ارزانی،فراوانی،پیشرفت واعمار مجدد بروی کشوربازنگردید و بر عکس بابراه افتادن جنگ های تباهکن و ویرانگری پایتخت تاریخی کشورما به ویرانه مبدل شد و به میزان رنج ومشقت مردم ما بخصوص درپایتخت افزوده گردید.گرچه دربرخی ازولایات کشور. صلح ،امنیت، آرامش،وآسایش حکمفرماست ولی درمجموع درسراسرمملکت حالت عدم استقراروقابل تشویش به ملاحظه میرسد.

وضع اسفبارکشور باعث درد ورنج مردم مسلمان وهمه، افغان های با درك ویا احساس است.درهمه، مجالس، نشست ها، بیانیه ها،مقاله ها،مصاحبه ها،و...وضع کشوروعوامل فجایع و بد بختی های مردم مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد وبصورت عموم می توان عوامل ذیل را بر شمرد:

۱. حب دنیا،جاه طلبی و دوری ازاحکام خدا ورسول او.

۲. تعمیم نظام ملیشه ای وعدم توجه به تعلیم وتربیت اسلامی.

۳. اختلاف تنظیم هاوعدم توافق بریك طرح واحد.

٤. روابط سری وعلنی بعضی ازتنظیم ها با جناح هائی ازحزب کمونست به ویژه در بخش نظامی.

۵. اعلام عفو عمومی برای جنایت کاران ملحد وآدمکشان بی دین.

٦- نبودن نظم و انضباط و امرو اطاعت درتنظیم ها.

۷. تجزیه، اردو و وجود ذخایر عظیم سلاح و مهمات درهرگوشه وکنارو بدست هرکس و ناکس.

۸. مداخله،کشورهای خارجی وحمایت آنان از گروه های وابسته.

۹. توطئه، عمیق ودقیق بین المللی مبنی بر بدنام ساختن جهاد و مجاهدین.

۱۰. آغازجنگ قدرت طلبی ودرنتیجه تباهی اقتصاد و معیشت کشور و ده هاعامل دیگر...

بدون شك همه، عوامل ذکرشده درایجاد وضع دردناك کنونی وفاجعه های خونین پس از پیروزی جهاد نقش اساسی داشته اند زیرا:

دنیا پرستی وریاست خواهی ،اساس و بنیاد همه، خطا ها وانحرافات است آنانی که رضای خدا را هدف خویش اعلام می دارند ولی درعمل بنده وغلام نفس خویش اند و بخاطررسیدن بقدرت وکرسی و بدست آوردن امتیازات و پول و مال به هر جنایتی دست می زنند ومیان حلال و حرام فرق نمی گذارند،ازهمچو اشخاص که درصف مجاهدین مومن قرارداشته باشند چه انتظاری میتوان داشت؟!

همان طوری که روسها وکمونست ها بخاطر بقا ودوام سلطه، ظالمانه شان نظام ملیشه ای را رواج دادندو به افراد فکری کم توجه نمودند و بزورپول وامتیازات غندهاوفرقه ها ساختند و از جنگجویان حرفه ای ومزدوراستفاده کردند، به همین ترتیب درصف مجاهدین نیزافراد بی دین،بی فرهنگ،اوباش و چپاولگررخنه نمودندو حتی به فرماندهی وقوماندانی رسیدند.

متاسفانه که تنظیم های جهادی نیزتعداد بی شماری ازهمچو افراداوباش و بی تربیت را جمع ومسلح نمودند واین افراد غیرفکری که فقط برای پول و بدست آوردن جاه ومال می جنگیدند، بصورت ملیشه های رژیم ازتعرض به جان و آبروی مردم دریغ نداشتند وچه بسا که گاهی در صف رژیم و گاهی در صف مجاهدین قرارمی گرفتند و همواره در پی دریافت آخور چرب از یك جهت به جهت دیگرمی رفتند!!

اختلاف همیشگی تنظیم ها وچند دستگی و تعدد مراکزقدرت و تصمیم گیری که در شرایط مهاجرت و درسایه، یك حکومت خارجی قابل تحمل بوده واضرارحیاتی نداشت، درشرایط تشکیل حکومت وانتقال به داخل ،غیرقابل تحمل بوده واضرارحیاتی و تباه کن آن عملاً برملاگردید.

درشرایط قبل ازپیروزی جهاد که رژیم دست نشانده، کمونستی درکشوروجود داشت مرکزیت و رهبری تنظیم ها دردوکشورهمسایه وبویژه درپاکستان قرارداشته واین کشوردارای نظام واردو وقوای امنیتی است، بنابرین کاروفعالیت تنظیم ها درداخل کشوربیشتردرساحه، نظامی و درخارج بیشتردربخش سیاسی متمرکزبود ولی پس ازپیروزی جهاد و تشکیل حکومت مجاهدین ،مسئولیت نظم، اداره وامنیت و همه، مسایل سیاسی ،نظامی، اقتصادی تعلیم و...به عهده مجاهدین قرارگرفت وبراین اساس است که اختلافات تنظیم ها وعدم توافق روی طرح واحد ،زیانهای تباهکن دربرداشته و نتایج زیانبارآن عملاً دیده شد.

موضوع مهم دیگرروابط سری وعلنی برخی ازتنظیم ها ویا قوماندانان با برخی از جناح های حزب کمونست و یا افراد بخصوص آن بود که با بی خبری و یا با بی توجهی به تعلیمات اسلام بویژه در مورد احکام مرتد و زندیق باب تفاهم وارتباط با ملحدین بازگردید و تنظیم ها ی جهادی گروه ها و یا افراد ملحد و کمونست را درآغوش گرفتند.

این عمل انحرافی باعث گردید تا در مورد پیروزی کامل جهاد و تحقق اهداف آن شك و تردید خلق گردد زیرا محرو نا بودی کامل ملحدین از اهداف جهاد ما بود وحد اقل باید کمونست ها وجنایت کاران محاکمه و زندانی می گردیدند نه اینکه درکنارفلان گروه ویا فلان قوماندان هنوز هم به موجودیت نظامی خویش ادامه داده و صاحب پست و مقام باشند!!

اعلام عفو عمومی برای کمونست ها، ملحدین و جنایت کاران خلق و پرچم یکی دیگرازعوامل اساسی بد بختی های کشورماست که نه تنها از لحاظ سیاسی و اجتماعی بلکه ازلحاظ شرعی یك امر نا درست و ناجایز بوده است.

عفو عمومی به آدم کشان کمونست وبی دین این امکان را داد که اکنون در لباس مجاهد و مربوط به فلان اداره، رسمی ویا فلان تنظیم و یا قوماندان به جنایات قبلی خویش ادامه بدهند.

بهر صورت ، عفو عمومی اعلام شده به معنی علم پیگیری وتعقیب ویا محاکمه، کسانی بودکه در دستگاه های رژیم کمونستی خدمت کرده بودند وحتی پس ازپیروزی جهاد طی یکی ازفرامین شورای قیادی تشکیل محکمهٔ اختصاصی برا ی مجازات جنایت کاران پیش بینی شده بود که متأسفانه به آن عمل نشد !

نبودن نظم وانضباط وامرواطاعت کامل درتنظیم ها ودرشرایط جنگ مسلحانه درداخل،وکار سیاسی درمحیط مهاجرت تا حدود زیاد یك امرطبیعی ونا گزیر بوده است ولیٰ در شرایط حکومت واداره غیرقابل تحمل و باعث ازهم گسیختگی وبی نظمی و بر بادی است ا کسانی که در شرایط مهاجرت و یا درجبهات به بی نظمی، بی تفاوتی و عدم نظم واداره عادت کرده اند درشرایط تشکیل حکومت مجاهدین نیزمطابق عادت قبلی عمل میکنند و بنا برین مشکلاتی را ببارمی آورند.

تجزیهٔ اردوبه فراکسیون های مختلف حزب کمونست خلق وپرچم وملیشه های دوستم و کیان وجبارورفرقه ها وغند های قومی ودر نهایت فروپاشی اردو و قوای امنیتی یکی ازعوامل بزرگ بدبختی کشورماست هرگاه اردو تجزیه نمی شد و سلاح و مهمات وامکانات آن بدست سرکرده ها وگروهك ها وافرادنمی افتاد و یادر بازارها بفروش نمی رسید بلکه فقط جنرال ها و فرماندهان اردوتعویض میشدند وسلاح وامکانات بحال خود با قی می ماند ونظام امنیتی نیز اصلاح میشد آنگاه احتمال قوی وجود داشت که ازفاجعه های خون بارکنونی جلوگیری میشد ولی افسوس که اردو حتی قبل از سرنگونی نجیب تجزیه وچندپارچه شده بود.

مداخله، کشورهای خارجی و علم تمایل آنان به وجود یك افغانستان اسلامی آزاد ، مستقل ، نیرومند، وخود کفا عامل اساسی دیگر بدبختی های کشورماست متأسفانه که کشورهای خارجی وبویژه همسایه های ما بجای اینکه روابط خوب با مردم ما استوارسازند وکمك های شانرا درین شرایط سخت ودشواربه مردم مابدهند برعکس درفکر تقویت روابط خویش با گروه های وابسته به خود بوده وبه آنان کمك های سخاوتمندانه می نمایند که این کمك ها همه بضررمردم ما بوده وبه ادامه، جنگ و برادرکشی کمك می کند این کشورها تلاش دارند تا گروه های وابسته به آنان بقدرت برسند ویا دست برتر داشته ویا امتیازات بگیرند وحتی متأسفانه که خیر خود را درتجزیه، کشورما می بینند و فکرمی کنند که درصورت تجزیه حتماًسهمی به آنان می رسد ومناطق همجوار وسرحدی را تصاحب خواهندکرد!!

توطئه، عمیق ودقیق بین المللی وکفرجهانی که باید اسلام وجهاد ومجاهدین بدنام گردند وهرکه صحبت ازاسلام وجهاد نماید نمونه ومثال افغانستان را ارائه دارند وچنین وانمود سازند که حرف ازحکومت اسلامی وحکومت مجاهدین یعنی بی امنیتی قتل، کشتار، تباهی، وویرانی!! ودرنتیجه درشرایطی که جهان یك قطبی شده و فقط یك ابرقدرت وجود دارد و یگانه دشمن این ابرقدرت نیزاسلام ومسلمانان بشمارمی رود پس این دشمن که نقطه، امید و یگانه مرکزنمرو نیروی آن جهاد افغانستانست بایددرنطفه کوبیده شود وحکومت مجاهدین بدست خود مجاهدین تضعیف گردد وهم جنایات وبی امنیتی وکشتارو چپاول همه به نام مجاهدین ثبت گردد ومردم دنیاو بخصوص مسلمانان ازنهضت های اسلامی و جهادی متنفر گردند وازهمین جاست که کفر جهانی بوسایل وذرایع و چینل های مختلف میخواهد جنگ درافغانستان ادامه یابد مردم ما و دنیابیشترازپیش ازجهاد ومجاهدین فاصله بگیرند .

آغاز جنگ قدرت طلبی مهم ترین عامل بدبختی کشورماست ولی سوال اساسی اینست که آغازگراین جنگ چه کسانی اند وچرا ازقتل وکشتاروتباهی وویرانی سیرنمی شوند و بر عکس ابعاد آنرا وسیع می سازند؟

تاریخ جهاد افغانستان شاهد است که درطی سالهای جهاد فقط یك تنظیم به نام حزب اسلامی بوده که دراثرطبیعت خشن وجنگ طلبانه، رهبرآن یعنی آقای حکمتیاربا همه، تنظیم ها خصومت و دشمنی ورزیده و با همه، مجا هدین درسراسرکشورجنگیده است!در۹۵ فیصد در گیری های داخلی ،یك طرف راافراد حکمتیارتشکیل میداد،حکمتیارهرگزحاضرنشده تا به جنگ های داخلی میان مجاهدین اعتراف نماید و حتی تا امروز نیز نمی گوید که میان مجاهدین جنگ وبرخورد صورت می گیرد!او همواره جنگ های داخلی مجاهدین را جنگ میان مجاهد و ملیشه می خواند و بدین ترتیب افراد خود را مجاهد و مجاهدین سایرتنظیم ها را ملیشه خطاب می کند!!

هم چنان هیچ رهبرجهادی را شایسته، زعامت و حکومت اسلامی ندانسته و نمی داند و حاضر به اطاعت از آن نمی باشد و فقط همواره شعارحکومت اسلامی و حکومت مجاهدین را سر می دهد،پس به خوبی و روشنی معلوم میگردد:

کسی که جز خود کس دیگررا شایسته ، زعامت وحتی مجاهد نداندو جزحکومت خیالی خود هر حکومت دیگر را ائتلافی ، غربی وغیراسلامی بداندو اورا نیزجزخودش هیچ کس وتنظیم دیگر نخواهد پس معلوم است که خود خواهی وجاه طلبی اورا به جنگ وامیدارد ودررابطه ، بهانه های مختلف را عنوان میکند !

کسی که دربرابرهراتحاد قد علم نموده ویا هر توافق و معاهده، تنظیم های جهادی به مخالفت برخاسته است معلوم است که عامل اصلی واساسی بد بختی کشورما فقط وفقط هُمراست !

تاریخ جهاد شاهد است که صبغة الله مجددی چه دردوران حکومت موقت درپشاوروچه دوره، دو ماهه درکابل ازطرف تنظیم ها تعین گردیدوفقط وفقط آقای حکمتیار وگروه اوعلیه مجددی به مخالفت برخاسته وبه جنگ وویرانی پرداخته است.

استاد سیاف برای چند دوره رئیس اتحاد هفتگانه وبعد صدر اعظم حکومت موقت در پشاور بودند وهمه رهبران ایشان را پذیرفته بودندو فقط و فقط آ قای حکمتیارعلیه اوتبلیغات و بدگوئی می کرد.

و استاد ربانی را بحیث رئیس جمهور همه رهبران تنظیم های جهادی پذیرفته اند جزحکمتیار و یا رهم عقده اش مجددی.

و ازهمه مهمتراینکه معاهده پشاوررا همه تنظیم ها پذیرفتند وحتی نماینده گان حکمتیار نیز درپای آن امضاء کردند وحکمتیارنیزبه استناد صفحات « شهادت » بارها اعلام داشته است که « مابه موافقت نامه، پشاورکاملاً التزام داریم » وباآنکه پست صدارت به اساس آن موافقه به گروه حکمتیارداده شده بود ولی با این همه ودرحسرت نرسیدن بقدرت انحصاری و خنثی گردیدن کودتای وطن جاراز همان نخستین روزسر نگونی نجیب تا امروز دست ازجنگ و راکت باران و تباهی و کشتار وویرانی برنداشته است

حتی جنایت کاران بزرگی چون دوستم در برابر موافقت نامه، پشاورقد علم ننموده وحزب وحدت نیزمخالفت جدی نکرد بلکه فقط وفقط آقای حکمتیاربود که امید های طلایی مردم رابه یاس مبدل ساخت وآبرووعزت جهاد ومجاهدین رابخاك برابرساخت .

اگرحکمتیارجنگ تباه کن را براه نمی انداخت آنگاه:

دنیا پرستی وجاه طلبی ودوری ازاحکام خداورسول کنترول می شدو حکومت مجاهدین ازشیوع آن جلوگری می کرد .

نظام ملیشه ای نه تنها دوام نمی یافت. بلکه مردم با ایمان واخلاص درصفوف اردوی اسلامی ، فرزندان شانرا داوطلبانه منظم می نمودند.

مردم با کمال میل واشتیاق وداوطلبانه درجهت تعمیل احکام اسلام بخصوص درساحه ، تعلیم و تربیت آماده، همکاری با دولت اسلامی می گردیدند .

اختلاف تنظیم ها با تشکیل واستقراردولت اسلامی پایان می یافت ویا حد اقل بسطح سیاسی پایان می آمد وامکان برخورد های مسلحانه ازبین می رفت زیرا تنظیم های قوی وموثرجهادی پاسداردولت اسلامی می بودند.

امکان بقا وموجودیت نظامی و سیاسی کمونستها برای ابد ازبین می رفت و کشور از کمونست ها تصفیه ویا کسازی می شد.

زمینه وامکان محاکمه، جنایت کاران کمونست مساعد می گردید.

نظم وانضباط اداری ودولتی حکفرمامی گردید.

اردوی منظم ، مجهزاسلامی تشکیل می شد.

ازمداخله ، کشورهای خارجی جلوگیری می گردید.

توطئه های بین المللی خنثی می شد.

مردم ما درکمال آسایش وآرامش ورفاه وارزانی و فراوانی بسرمی بردند وعزت و آبروی جهاد حفظ ونام مجاهدین وافغانستان در سراسر گیتی بلند و پرآوازه می شد.

ولی افسوس که جنگ ویران گروقدرت طلبانه، حکمتیاراحتمال قوی سعادت وخوش بختی مردم کشورما را به رنج ومشقت وبدبختی مبدل ساخت.

پس به یقین میتوان گفت که آقای حکمتیار وجنگ های ویرانگر و خانمانسوز او اصل و اساس بدبختی کشورماست.

اتحاد اسلامی
سه شنبه (۷) سرطان ۱۳۷۳ هـ ش. (۱۹) محرم ۱۴۱۵ هـ ق (۲۸) جون ۱۹۹۴م

دټولویوه خبره ده چې کمونستان اودهغوی کمونست ملیشې نه منو

زموږدافتخاراتو ځلی پرځلاندو پرتمینواو نه هیریدونکو جهادی دوران جوړوونکو حماسوباندی ولاړی دی .. که په دی ملت باندی هرڅومره بدی ورځی راځی، بدلونونه راځی، دزمانی په تو دوسړوکی آزمویل کیږی اوحالات ورته دنوبو، نوبو غمونوسوغاتو نه راوړی اویا دوی په خپله دشرایط په لحاظ ځینی غلطی کوی، خوددی ټولو سره یوتاریخی اوهمیشنی اصالت چی دوی لری، هغه کله له لاسه نه ورکوی اوهغه داده چی له کفر،استعماراودپردیودتسلط پرضد خاصیت ددوی په خټه کی آغزل شوی -(دوی نه کفرمنی، نه استعماراونه دپردیو تسلط) او ددی پیښو په ارتباط ددوی اشتباهات ددی باعث نشی گرځیدلای چی ددوی حماسی هیری شی.

زموږملت هماغه ملت دی چی مکاروانگلیسا نوته یی پوره دوه سوه (۲۰۰) کاله دسرپه کاسه کی اوبه ورکړاوهغی ورځی یی پری راوستی چی پرنړی باندی دحکمرانی تصوریی پاش پاش کړ، له انگلیسانونه وروسته دروسانو وارراغی، هغوی هم غوښتل چی دافغانستان په ابلولوسره په جنوبی ایشیا کی پراته هیوادونه ترلری ختیځه پوری په خپله ظالمانه ولکه کی راولی - خو روسان هم ددی میړنی او مومن ملت په لاس په هغه انجام پسی ولیږدول شول چی پخواددوی استاذان (انگلیسان) لیږدول شوی وو ...نوددی تاریخی حقایقو په پام کی نیولو سره که اوسنی نړیوال استعمارهرڅومره زیارویاسی چی مزدور کمونستان اودهغوی مرتد ملیشی زموږپرملت ومنی ته یی شی منلای اوپه دی باب دټولو یوه خبره ده چی کمونستان اودهغوی کمونست ملیشی نه منو!

ځکه چی دوی زموږملت ته دڅوارلسو کلونو په اوږده موده کی امتحان ورکړی اودایی ثابت کړی چی دوی ددی هیواد دښمنان دی، ددی ملت دښمنان دی، ددی ملت له ګټونه زیات دخپلوبادارانو ګټوته علاقه من دی اوددغوانګیرنو په لرلو سره ددوی لاسونه لا تراوسه ددی ملت دقهرمانو بچیانو په وینو سره دی.

له هغی ورځی نه چی دمجاهدینو حکومت دملحد نجیب دواکمنی ترپای ته رسیدو وروسته منځ ته راغلی داستعماری حلقوله پلوه ډیری هلی ځلی شوی چی کمونستان او دهغوی ملحد ملیشی دیوجهت په توگه ومنل شی اودافغانستان په حکومت کی ورته ځای ورکړای شی، مگر دمجاهدینو دولت تراوسه پوری دی کارته نه دی تیار شوی- که څه هم دځینوغلطیوله مخی دوی ته په اوله کی په پوځ کی ځای ورکړ شوی و، مگرهغه هم داسی وچی دمجاهد ځواکونو ترقوماندی لاندی و- په هماغه ورځچی کمونستان اودهغوی ملیشه پوه شول چی نورنو ددوی اوددوی دبادارانو چالونه دمجاهدینو پردولت کارنه کوی -د دولت پرضد وگوابښیدل ، خو دتعجب ځای دلته دی چی دمجاهدینو په منځ کی دخپل منځی شخړوله پیل نه بیا ترننه پوری چی څومره دسولی هیئتونه لاندی باندی شوی اوڅومره وفدونه چی راغلی اوتللی دی ټولو یو هم کمونستان اودهغوی ملحد ملیشی په رسمیت نه دی پیژندلی بلکی پردی ټکی یی زورلگولی چی داخاین عناصر باید دمجاهدینو په حکومت کی ځای ونه لری مگرحزب اسلامی هم آهنگی شورا ورسره جوړوی او په کلکه دهغوی له حقوقو (!) نه دفاع هم کوی له بده مرغه نن سبا چی ټول مجاهد قوتونه په دی ټینگار کوی چی په هرشان د افغانستان اوسنی کشاله پای ته ورسوی او ټول په مرکزکی سره راټول شوی - ټول په دی هڅه کی دی چی دوستم او دهغه بادارن(کمونستان) له پامه وغورځول شی- دلته دحزب اسلامی دازمینبت ورځ ده ځکه ټول مجاهدین په دی ټینگارکوی چی دوستم اودهغه سیاسی جریان د افغانستان په واکمنی کی برخه ونه لری، خوحزب اسلامی لااوس هم کلك ولاړدی چی دوی ته ددوی حق(!) ورکړای شی.

تیره شپه دنړی رادیوگانوپه دی برخه کی ځینی تبصری ډرلودی خودډیرتوجه وړ هغه پیشنهاد وچی دپو ښتنی په توگه دافغانستان جمهوررئیس استاد ربانی ته شوی و- هغه دا چی آیا د افغانستان دروانی کشالی په اړه له دوستم سره گوری؟

استاد ربانی دا پیشنهاد په کلکه ردکړی اوویلی دی چی حاضرنه دی له دوستم سره کینی! هم آهنگی شورا په دی وروستیوکی ډنډوری غږولی چی گویا استاد ربانی په پټه کی له دوستم سره اړیکی نیولی چی د حکومت جوړولو په نوی پړاوکی کارتری واخلی - مگرداستاد ربانی وروستی څرگندونی دا ټول پرو پا گنډی داښوکرښی کړی ...

هیله من یوچی دسولی دهڅو په لړ کی حزب اسلامی هم له مجاهدینو سره همگام شی اوددی ملحدوعناصرو ملگرتیا پریږدی ترڅو دا مرحله دوروړگلوی په فضا کی پای ته ورسیږی اوزموږدمومن ولس دکلونو ارمان ترسره شی.

دسولی هڅی، دندی او مسئولیتونه

د جدی د یو لسمی نیټی دشنډی کودتا راهیسی په پلازمینی (کابل)بر سیره دهیواد شمالی او شمال لویدیځ ولایتونه پرته له دوولندمهالواوریندونو په مسلسل ډول د بدمرغه جگړی په لمبو کی راگیر او دجهاد د دښمنانو لخوا ورته گام په گام د نورو فاجعو پلانونه په لاس کی نیول شوی تر څو په سیمه ایزه او نړیواله سطحه د مجاهدینو سیاسی بصیرت اود حکومت چلولو اداری صلاحیت تر شعاع لاندی ونیول شی،د خلکو ذهنیتونه گډوډاود منفی رجحان په لور رهبری شی.

ولی له نیکه مرغه زمونږاسلامی انقلاب پخپله غیرګی او ددی ټولو نا خوالیویا وجود ډیربادرده —

او دژوندی احساس څښتنان روزلی چی نه پریږدی زمونږ انقلاب ددغوښتنرواوعظیموویاړونو زرینی پاڼی په وړو اوکرغیړنو نومونو تفسیراو تعبیرشی.

د همدی احساس اومسؤلیت نسبت تقریبا شپږمیاشتی د مخه په یښورکی یو شمیر علماءو،جهادی قوماندانانو، قومی سپین روبو او اسلامی تحریك ته منسوبو شخصیتونو د اصلاحی شوری ترعنوان لاندی یوه دریمگړی ناپییلی او خیر غوښتونکی هسته جوړه کړه او په هیواد کی د یوسرتا سری سولی اود دولتی واکمنی په سردروانو غورځوپرځو دختمولو لپاره یی خپل هلی ځلی اوعملی هڅی پیل کړی.

هوکی!ادبشری طبیعت په حکم د محترم حقانی دترمشری لاندی اعلان شوی طرحه به ځینی نیمگړتیا وی او منفی نقطی ولری خوپه مجموع کی کیدای شی هغه د روانی غمیزی د پای ته سولو په لارکی ترټولو جامع گټوره او اغیزمنه ثابته شی.

باید ومنو چی د شورا محترمو غړودخونړی جنگ د متعددو خطراتواوگواښونو سره سره په تیرو شپږو میاشتوکی د ډزبندی اوروغ نیتی سپیڅلی ماموریت په پوره ایمانداری او زړورتیا سره مخ په وړاندی یووړ،هرڅه ټی وزغمل خو مایوسه نشول،ځکه هغوی پوهیږی چی که هره شخړه دمت له زوره اودتوټوپك له شپیلی پیل کیږی نو بالاخره به په راشه درشه اوتنازل انجامیږی.

> باید ومنو چی د شورا محترمو غړودخونړی جنگ د متعددو خطراتواوگواښونو سره سره په تیرو شپږو میاشتوکی د دزبندی اوروغ نیتی سپیڅلی ماموریت په پوره ایمانداری او زړورتیا سره مخ په وړاندی یوور،هرحه ټی وزغمل خو مایوسه نشول،حکه هغوی پوهیری چی که هره شخره دمت له زوره اودتوټوپك له سپیلی پیل کیری نو بالاخره به په راشه درشه اوتنازل انجامیری.

دافغانستان د کشالی په پرتله په همدغو تیرونږدی ورځوکی نړیروالوولیدل چی په فلسطین کی د تل ابیب صهیونست رژیم د عربی نشنلستانو سره یو مقدماتی تفاهم ته ورسید ،په شمالی ایرلندکی پروتستان دانگلستان د کاتولیکانوسره دکلو نو کلونو جنگریزیه پای کی خبرو اترو ته چمتوشول،په ښکیل شوی کشمیرکی دنوی ډیلی بامبړان د آزادی غوښتونکی غورځنگ د یومشر سره خبرواو مذاکراتوته اماده شول او بالاخره دترکی لا دینه حکومت دی ته حاضر شو چی دهیواد د ملی مصالحوپه خاطر د بلدیاتی انتخاباتو نتیجی ومنی او

درفاه د اسلامی گوندواکداری ته غاړه کیږدی.

بنا،زمونږمسلمانی اوځوریدلی پرگنی دا حق لری چی وپوښتی له ځان غوښتنی او تنظیمی مصالحو پرته کوم هغه اصولی عوامل اولاملونه دی چی مخالفین اسلامی دولت سره روغی جوړی او تفاهم ته نه پریږدی.

دا سوال له هر چاسره مطرح ده کله به د قدرت وږی له ملیشو او کمونستانو څخه خپله بیزاری او برائت اعلانوی؟کله به داکرکه، ړوند تعصب او تخریب په مینه او وروړگلوی بدل شی؟ کله به زمونږ شازلمیان د کلاشینکوف په ځای قلم اودجنگ په ځای دسولی شعار زمزمه کړی؟

کله به د شهیدانوځوانی مرگی هیلی او مرادونه ترسره شی؟

کله به د عظمتونوداستړی اوله لالهانده کاروان خپل منزل ته ورسیږی؟

کله به دگیلواونانډریو فضا په اخلاص اوځان تیریدنی بدله شی؟

ترڅو به د باروتو اولوگو توری لوخړی زمونږ په اسمان خوری وی؟

ترڅو به خپل جهادی ویاړونه په خپل لاس د هوی اوهوس په شاړومقبروکی خښنوو؟

راځی چی د خدای لپاره د خپل امت لپاره د بی وزلو کونډو لپاره د بورومیندو لپاره دبی اسری یتیمانوداوښکو او سلگو لپاره، د انانیت بتان مات کړو د غرورطلسم دړی وړی کړو،خپل ټول سیاسی ،ژبنی اوسمتی امتیاز غوښتنی د جهاد د عالی اهدافوپلی کیدوپه ،لارکی یوی خواته کړو ترڅو پدی ترتیب خپل دینی، اخلاقی او ټولنیز مسئولیت اداء او کفر او کمونیزم د بقایا وه په وړاندی یو قدم او یواوازشواو داسلامی دولت ریښی مزبوتی کړو.

فرجام کار ائتلافیون هماهنگی!!

گپ سر گپ

شهادت (درتبصره برسرمقاله-۲۶- جوزای جریده اتحاد):

اعترافات جریده اتحاد به خلاف کاری های گذشته سیاف!

اتحاد:

روی ملیشه های تقلب کار، دروغگو،جعل سازومکارشرارت پیشه، شهادت نویس سیاه! اگرراست می گوئید عکس آن سرمقاله را بصورت مکمل درشرارت تان چاپ کنید تا مردم بدانند که آن سرمقاله اعترافات است ویا افشا گری جنایت ها وسازش ها وخیانت های حکمتیار!

خیر.. شما که همیشه دروغ گفته وبا افشا شدن سریع دروغهای تان مورد نفرین مردم قرارگرفته اید ،چنین نخواهید کرد امایقینا هرکسیکه این دروغ شیطانی و تقلب رذیلانه جدید تان را مطالعه میکند ،آنرا با سرمقاله اتحاد مقایسه نموده، و با برملا شدن دروغ تان لعنت ونفرین نثارتان می نماید!

شهادت:(درتبصره براینکه عملکرد حکمتیار بخشی ازتوطئه علیه جهاد است):

ای نا جوان،اگرعمل حکمتیارچنان بود ، پس چرا سال گذشته مذبوحانه تلاش میکردی تا باد عوت های متواتربه پغمان اوراشکارنمایی...

اتحاد:

آری! تلاشهای مذبوحانه و دعوتهای متواتربمنظوراصلاح حکمتیاروقناعت دادنش به اینکه دردام توطئه افتاده است، نتیجه نداد زیرا این تلاشها در دامن حکمتیارپولهای گزاف روسی امریکائی عراقی لیبیا یی وازبکستانی را سرازیر نمیکرد امّا تلاشهای اندك وپولها ی بیشماراستعمارگران کافرچنان اورا شکار نمود که باایمان واسلام ودین وعقیده و عقل و هوش و فکروحواس به پای دوستم آنچنان سقوط کردکه دیگربرخاستنش نا ممکن بنظرمی رسد!!

شهادت(درتبصره برنقش حزب وطن و کمونستها درنا آرامی های کشور):

بلی همینطوراست ! پس زود شوید به ولی نعمت تان بگوئید که کمونست های معروف چون ،مزدك،کاویانی،جنرال بابه جان، جنرال امیرمحمد،جنرال دلاور ،ودیگران راکه لیست تفصیلی آن حتماً نزد سیاف افتاده است ، ازسنگر تان دورسازید!

اتحاد:

بلی! لیست تفصیلی کمونستها نزد استادسیاف موجود است زیراً هر مسلمان باید لیست تفصیلی دشمنان خود را با خود داشته باشد ومطابق آن لیست تفصیلی و مطابق واقعیت های مشهود وملموس ازاین همه کمونستهای معروف که توملیشه عزیز نام های شان راگرفتی وآنهایی که تو ملیشه عزیزنامهای شان را نگرفتی و عبارتند ازجنرال دوستم ،جنرال ربیع ،جبارقهرمان،منوکی منگل،پاکتین، جنرال وزی،جنرال فوزی،جنرال رووف،جنرال ....و جنرال..وجنرال.. آری! ازاین همه جنرال های کمونست بجز یکی، همگی دراثرجهادو موقف قاطع استاد سیاف ازکابل فرارکرده وبه حکمتیار پیوسته اند وانشاء الله این یکی هم که باقیمانده فرارخواهد کرد و سرش از گریبان حکمتیار برون خواهد شد!!

و آنگه حکمتیارخواهد گفت «من نمیتوانم کسی را که می گوید من مسلمانم و نماز می خوانم،کمونست بگویم»!

وآنگه شما ملیشه های مزدوراز او نیزچنان دفاع خواهید کرد که امروزاز دوستم می کنید!!

شهادت(درتبصره براینکه متصرفین کابل چه کسانی اند):

همانهائیکه کارت قوماندان عمومی گارنیزیون کابل به امضای دگرجنرال بابه جانرا درجیب دارند.

اتحاد:

نخیر.. متصرفین شهرکابل مجاهدان قهرمانی هستند که روسها را ازافغانستان برون راندند ، حکومت کمونستی نجیب را سقوط دادند، توطئه مشترك خلقی هاو حکمتیاررا برای تصرف کابل و تشکیل حکومت ائتلافی ناکام ساختند، دسیسه بیش سیوان راکه مطابق میل دنیای استعماروآقای حکمتیاربود ، خنثی نمودند ، میدان هوایی ومناطق مهم کابل را ازتصرف ملیشه های خونخواربرون آوردند و بالآخره کودتای ننگین و کمونستی یازده جدی را ناکام ساخته وداغ رسیدن بقدرت ازراه کودتا را دردل ائتلافیون هماهنگی بجا گذاشتند و باز هم بالآخره تمام سنگر های ملیشه ها را در کابل تسخیر کردند!!

شهادت:(درتبصره برتقاضا ازبرادران عرب که مجاهدین را تنها نگذارند):

کاش شما وربانی هم چنین می کردید ویا امضای معاهده ننگین با مبارك سند تا مبارك ارهابیت وتسلیمی آنها را به رژیم مصرتقدیم نمی دادید!

اتحاد:

ماباز هم به شما ملیشه های دروغگو وبی حیا چلنج می دهیم که کوچکترین سندی مبنی برسازش استاد سیاف وتنظیم اتحاد بارژیم مبارك تا مبارك و رژیم های تا مبارك دیگری ارائه نمائید، یقیناًنمیتوانید ، چون دروغ می گوئید پس نفرین خدا برملیشه های دروغگوی !

درحالیکه هنوزهم ده ها تن ازورزیده ترین مسلمانان مصری وغیرمصری در سنگرهای اتحاد بسرمی برند سنگرها ودفترهای شما پراست ازجاسوسان قذافی و صدام حسین!!

شهادت:(درتبصره بروصول مواد غذایی ازشیرخان بندربه کابل):

خوب شد که قبل ازهمه خود اعتراف کردید ، همه می دانند که شیرخان بندردرمرز افغانستان وتاجکستان موقعیت داردو رژیم کمونست تاجکستان توسط روسها حمایت می شود.

آنچه که ازشیرخان بندربه افغانستان می آید همه ازروسیه وتاجکستان وارد می شود، شما که ازپنج ماه با ینطرف مدعی هستیدکه با ملیشه و کمونست حساسیت دارید، پس مواد غذایی وموادسوختی کومك روسیه و تاجکستان کمونست را چطور پذیرفتیدوچطوربی شرمانه وصول این کاروان را به کابل به نیروهای شکست خورده ومحصورائتلاف پیروزی می شمارید!!

اتحاد : ملیشه جان ! ازبی شرمی نگو که بیشرمترازشما ملیشه ها کسی وجود ندارد شماچنان باکمال پررویی ووقاحت خود را به اینسوو آنسومی زنید تا ائتلاف ننگین تان با ملیشه هارا که دیروزکمونست وملحد می خواندید ، توجیه کنید که بیشرمترین افراد دنیا ازاین همه طراری وچالاکی ودیده درائی تان انگشت حیرت بدندان می برند.

اگرحصول مواد غذایی دربدل پول ازرژیم تاجکستان ویا هر رژیم دیگری که معامله اقتصادی دربین دودولت بشمارمی آید ، کارنا روایی است پس لطفاً بفرمائید که به صدراعظم چارآسیاب ویارملیشه اش حاجی دوستم مواد غذایی و سوختی ووسائل تخریب وویرانی و راکتهای ویرانگروطیاره های قاتل ملت ازکجامی آید؟ ازآسمان فرو می افتد ویا اززمین سبزمی شود؟! چراسوالاتی را که درین رابطه می شود همیشه باچالاکی وشیطنت بی پاسخ می گذارید وازجواب دادن به آن طفره می روید؟!

ملیشه جان! اگرشرمی داری وحیایی بهتراست خاموشی اختیارکنی زیرا هرچه تومی نویسی فردایش رهبرعزیزت آنرارد می کند و بد ینگونه حقارت وسبکی ات فزونی می گیرد.

درمورد رژیم تاجکستان ازرهبرعزیزخود بپرس که درشماره ۰(۲۳)جون مجله«تکبیر»وقتی دربرابرسوال های خبرنگاران که گفته های متناقض او رامورد پرسش قرارمی دهند ، راه خود را گم می کند، چنین میگوید:

« حقیقت اینست که درین خطه ،ممالك پا کستان، ایران،ترکمنستان، ازبکستان و غیره درافغانستان استحکام می خواهند، این ممالك درامورمامداخلت نمی کنند»

آری! ایران وازبکستان و تاجکستان دیروزبگفته همین رهبرعالیقدرشما در افغانستان مداخله می کردند اما امروزآنها درین کشوراستحکام می خواهند!!

و ترکمنستان ازنظررهبرشما مداخله نمیکنداما ازنظرشما مداخله می کند زیرا با اسماعیل خان قرارداد دارد!!

آیا ازاین همه تناقض گویی نمی شر مید؟!

و بالآخره ملیشه جان ! اگر ذره یی ازایمان دردل داری ومحبت ملیشه ها ایمانت را زائل نکرده ترا بخدایااگرزائل کرده ترا بدوستم بگونقش ازبکستان واسلام کریموف درتاجکستان چیست وعساکرمسلح وتوپ وتانگ اسلام کریموف در تاجکستان چه می کنند؟!

ویاآخره بگواسلام کریموف به ماسکو نزیك تراست ویا دست نشانده اش امام علی رحمانوف ؟!

شهادت:(په جهادی تنظیمونو کی دکمو نستانودنفوذ په څرگندونه کی):

هوا دسیاف همدا یوه خبره بنه ده خوبه جهادی تنظیمونوکی دکمونستانو له بندی خانی نه پشاور(پیښور) ته ولیږل شوا

هوا داسړی (حکمتیار)نومیده چی دداؤدله جیل نه دکمونستانو په لاس په محترمانه ډول آزاد شوأو پیښورته واستول شو.

شهادت (په دی څرگندونه کی چی کمونستان باید دحزب اسلامی له څنگ نه لری شی):

دا ډیره ښه خبره ده له حزب اسلامی سره کمونستان، اوهغه چی تاسی ورته اشاره کوی ، هغوی خو ترپرونه داسلامی اردوجزوو، له چا سره چی کمونستان دی سیاف دهغوی ترڅنگ دمجاهدینوپرخلاف جنگیږی.

اتحاد : ملیشه جانه!

که چیری هغوی پرون داسلامی اردوبوه برخه وو، نو ستاسی په عقیده هغوی ملحد اوکمونست هم وو،مگرنن چی هغوی له اسلامی اردونه بغاوت کړی نوستاسی په عقیده مسلمان اوانقلابی مجاهدین گرځیدلی دی اوله هغوی سره داستاد سیاف جنگ له مجاهدینو سره جنگ دی ! بناء ستاسی ټولی ذلیلانه موضعگیری ستاسی داعتراف له مخی پرغیراسلامی اصولوولاړدی!!

شهادت (درتبصره برتلاش حزب وحدت برای کسب هویت افغانی):

تا وقتیکه حزب وحدت بصورت یکپارچه دربرابرنا روایی های شما مقابله می کرد همه بلااستثنا ازجانب شما (حزب وحشت)وآلت دست خارج خطاب می شد ،ولی حالا که ائتلاف بااعمال منافقانه وتطمیع قادربه درزاندازی درمیان آنها شده بازهم همین شما هستید که قلم بدست گرفته برای هواخواهان تان درحزب وحدت کارت هویت افغانی صادرمی کنید.

اتحاد:

کسی که در رأس حزب وحدت قرارگرفته است وکمونست هاو ملیشه هایی که در عبا وقبای اوبدستوربیگانگان جادارند درگذشته نیزازنظرما آلت دست بیگانگان بوده اند وهنوزهم هستند ونوشته های ما برعکس ادعای دروغین شمادرین مورد استثنا قائل بوده وهست اما دروغگویان ملیشه ! این شما بودید که درگذشته حزب وحدت رابلا استثنا آلت دست ایران می دانستید و آن حزب کارت هویت ایرانی داشت وکلمه « حزب وحشت نیزازاختراعات شما ودرج صفحات شهادت است اما زمانیکه قیادت ما جرا جوی این حزب باز هم بدستور اربابان خارجی درپهلوی شما قرارگرفت،ازچارآسیاب برای همه شان کارت مسلمانی ومجاهد بودن وافغانی بودن صادرگردید، درحالیکه درگذشته فتوای کفر شان را صادرمی کردید واکنون که افراد آگاه وهشیارآن حزب کارت های جعلی شماوخارجیان را پاره می کنند ودربرابرسیاست های اجیرانه و ما جرا جویانه یك فرد قد علم کرده اند، ازدیدگاه شما تطمیع شده اند!انفرین به این همه تنا قض گویی!!

شهادت:(درتبصره بربقا وعدم بقای وحدت حزب وحدت):

اگرماند خدا هم خوش وما هم خوش واگرنماند آنگاه شما ازخوشحالی دهل و نقاره بنوازید زیرا تیرنفاق تان به هدف می خورد!

اتحاد :

نخیر.. اگرنماند خدا هم خوش وملت هم خوش ومردم مسلمان وآزاده هزاره هم خوش که ازدست اندازی خارجیان درامورآن حزب به تنگ آمده اند ، اما شما ازفرط غم واندوه به ماتم بنشینید که تیرنفاق تان مانند هروقت دیگربه سنگ می خورد!

شهادت:(درتبصره براینکه نوشته های اتحاد چون پتك بردل ودماغ ملیشه های شهادت نویس فرومی آید):

ملیشه کسی است که درمکتوب استاد ربانی غرض زدویند با همنو عانش رسماً معرفی گردیده است وایمان فروش آنهایی اندکه تاحال حد اقل سه تنظیم را گزوپل نموده آنجا را که چربتریافته اند چند صبایی همانجا چریده اند و بخاطر بدست آوردن متاع بیشتربا بند هیچ قید وبندی هم نیستند.

خاطرنشان شود که نوشته های عناصرطماع،عهد شکن وضعیف الاخلاق هیچگاهی مستدل، منطقی ونیرومند نمی باشد.

اتحاد :ملیشه جان عزیز!

اگر ملیشه بودن صفت نیکوست پس چراازینکه با این صفت که حاجی دوستم بدان مفتخرت کرده است یادشوی حساسیت نشان می دهی ، واگرصفت زشت است پس چرابه رهبرمحبوب ومعبودت التجا نمی کنی که این قبای ننگین را ازتن تو و خودش دور کند و ترا که غلام غلام هستی زیر بار دو غلامی ازپا نیاندازد ؟!

و اما گزوپل کردن تنظیم های اسلامی نه ازنگاه شرعی ممانعتی دارد ونه جرم است ولی گزو پل کردن ازبکستان ، مزارچارآسیاب برای تشکیل ائتلاف ننگین هماهنگی و بوسیدن آستان ملیشه ها ئیکه به اعتراف خود شما ملحد وکمونست هستند و چریدن تان درکالخوزهای ازبکستان و خیزك وجستك تان دردفاع ازحاجی رفیق دوستم وخره شوکریموف ودشنام های رکیك وغیراخلاقی وغیراسلامی تان به رهبران جهادی ، جرائم وجنایاتی است غیرقابل بخشش وحقا که شما پابندقید و بند هستید زیرا هرغلام اسیرقید وبندمی باشدوشما غلامانی هستید که اگر رهبرتان سیاه را سفید وسفید را سیاه گفت می گوئید درست است و ازهمین جاست که پارسال دوستم را ملحد و کمونست می گفتید وامسال همان ملحدو کمونست را مسلمان ومجاهد وحاجی و انقلابی می گوئید زیرا رهبر معبود و محبوب تان چنین گفته است !!

آیا با این همه مواقف متضاد و متناقض تان ، معامله گر ،طماع عهد شکن و ضعیف الاخلاق غیر ازشماکس دیگری هست؟! یقیناً که نه !!

آیا نوشته های سرا پا دروغ تان که خود رهبر تان به دروغ بودن آن شهادت می دهد و روی شما را سیاه می سازد ، مستدل ، منطقی و نیرو مند است و یا نوشته های اتحاد که پرده از این همه دروغهای شمابر می دارد ؟!

قضاوت را می گذاریم به خوانندگان مسلمان و مجاهد نه ملیشه های ایمان فروش و ملحد!!

شهادت (په هغه څرگندونه کی چی امریکا هره میاشت دافغانستان کمونستانو ته- دروسیی له لاری(۲۸) میلونه ډالره ورکوی):

ربښتیا وایه! روسیه دهغه پیسوله جملی څخه چی له امریکانه یی اخلی او افغانی کمونستانو ته یی ورکوی، څو مره برخه تری ائتلافی اداری ته بیلوی ، څکه چی داپه سلها و ملیارد ، افغانی چی په ماسکوکی چاپیږی آ خرهغه هم مصرف غواړی که نه ؟!

اتحاد :

ملیشه جانه! موږ فکرکاوه چی ملگری خره شو اسلام کریموف حتماً تاته ویلی دی چی د امریکا پیسی پرکمونستانو ویشل کیږی ... خیر اوس یی چی څه نه دی ویلی نو یوه شه چی هغه پیسی اسلام کریموف ته ورکول کیږی او ملگری کریموف له هغو پیسوڅخه شل ملیونه ملگری حاجی (!) دوستم او اته ملیونه یی حاجی حکمتیار ته ورکوی ترڅودچهارآسیاب او پیښورپرکمونستانو یی وویشی او هغوی ته په اسلام آباد اوحیات آباد کی لوکس بلډونگونه په کرایه واخلی!

راغلود ی خبرونه چی د ملیونونو افغانیو دچاپ مصارف څوك ورکوی... هو! دا مصارف هغه ورکوی چی دحکمتیاردجنگو نو، راکټ ویشتلو کودتا گانو اوپه چارآسیاب کی د جعلی پیسو دماشین نصبولواو دشهادت شکنځل نامی مصارف او دپیام اسارت دراډیو تلویزیون (دا ددرواغ شیندلو دستگاه) مصارف ورکوی !

ممکن دی چی مهربانی وکړی او ووایی چی دا ټول مصارف څوك ورکوی؟؟!

درسهایی از قیام و شهادت...

ازاین قیام همچنان می توان آموخت که تعداد قیام کنندگان هرچه کم و تعداد افراد دشمن هرچه زیاد و قوتش هر چه بیش باشد، مانع ادای فریضهٔ جهاد و قیام شده نمی تواند و بر این تعداد کم و اندك و ناتوان است که علیه آن تعداد بیشمار و نیرومند و ستمگر قیام نموده وازفرضیت قیام وجهاد علیه آن تردیدی بخود راه ندهد.

ازاین قیام خونین این نتیجه نیزاخذمیگردد که جهاد تنها دربرابر کفارو مشرکین فرض نمی باشد بلکه دربرابر ظالمان و فاسقانی که اعمال شان غیر اسلامی است ولی ادعای اسلام می نمایند،نیز جهاد باید کرد و یزیدیان ازاین طائفه بودند،زیرا آنها کافر و مشرك نبودندواینهمه اعمال ننگین وزشت و غیراسلامی و غیر انسانی را در حالی انجام می دادند که صریحاً ازاسلام روگردان نشده بودند.

و با لآخره درس دیگری که از کربلا می آموزیم اینست که در جهاد اسلامی نتیجه را به خدا باید حواله کرد و نباید از ترس منفی بودن نتیجه، دست از جهاد کشید و دشمن را گذاشت که بر سر نوشت مسلمانان مسلط شود زیرا امام حسین (رضی الله عنه)می دانست که به علت کثرت افراد و اسلحهٔ دشمن و قلت یاران وفادارش نتیجهٔ معرکه بنفع دشمن تمام می شود اما بدلیل آنکه جهاد علیه اعمال غیر اسلامی یزید فرض شده بود،لذا با وجود بی وفائی اهل کوفه و بی وفائی تعداد زیادی از یارانش و توصیهٔ بعضی ازیارانش به بازگشت،تصمیم خود را عوض نکرد و به راه خود ادامه داد و با قامتی استواروهمت بلندبا لشکریان خونخوار یزید مقابل شد و تاپای جان با کمال دلیری و شجاعت رزمید و جام شهادت را نوشید.و با این عمل قهرمانانهٔ خود تا ابد برای مسلمانان درس قیام و جهاد و مردانگی آموخت.

آری! قیام حسینی و فاجعهٔ خونین کربلا برای مسلمانان و حتی برای همهٔ بشر یت حیثیت مدرسه یي را دارد که تا جهان باقی است به جهانیان درس آزادگی و شجاعت و مردانگی می دهد و ثابت می سازد که اسلام دین زنده و پویا و متحرك است و هیچگاهی در برابر ظلم و استبداد وخود کامگی و بیعدالتی تسلیم نمیشود و در برابر کافران و فاسقان وفاجران سرتسلیم خم نمیکند.

زموږ دریځ...

او التقاطی ډلی د قدرت گدی ته ځان ورسوی او خپل ائتلافیون دکمونستان دهغوی ملیشی او نوری منحرفی ډلی په قدرت کی شریك کړی یا قدرت په عادلانه (!)توگه په خپلومنځوکی سره وویشی .

مگر ددی ائتلاف د ضعف ټکی په دی کی وچی حزب اسلامی فقط دحال لپاره فکر کړی اوپه دی باب یی هیڅ نه واټکل کړی چی کمونستانو اوکمونستو ملیشو ترشا امریکا ولاړدی چی امریکا آن د خپلو گوډاگیانو نه دفرصت پر وخت هم کاراخلی خوکله چی هدف یی ترسره شوهغوی ته بیا هغه شیمه اوواك نه پریږدی نودا خو لری خبره ده چی دحزب اسلامی تحمل کړی او یا دهغه واکمنی پرافغانستان باندی تسلیم کړی نوری التقاطی ډلی چی زموږدانقلاب دبل ټیپ دښمنانو مزدوران دی هغوی هم هیڅ کله په دی راضی نه دی اونه غواړی چی په افغانستان کی دهغوی په اصطلاح داسلامی بنسټ پالو حکومت جوړشی ددی ټکیو په نظرکی نیولوسره دا انگیرنی دتل لپاره پټی نه پاتی کیږی اوهمداونگه دهم اهنگی ائتلاف دغړیو په منځ کی یو پربل اعتمادنشته نوځکه څوورځی دمخه دحزب اسلامی او حرکت اسلامی دځواکونو ترمنځ دکابل په دارالامان اوچهلستون سیموکی سختی نښتی شوی ویل کیږی چی دا نښتی -٤-ساعته په پرله پسی ډول روانی وی اوددی څلورساعتو په دوران کی له دواړو خوا وونه د یوبل پر مورچلو باندی ددرنو وسلوډزی کی دی موثقی خبری منابع وایی چی له څلورو ساعتو نښتی نه وروسته فقط دنیم ساعت لپاره ډزی بندی شوی، مگرددی نیم ساعت تر تیریدو وروسته بیا ډزی پیل شوی او ترمازیگره پوری بی له کومی وقفی ادامه درلودی...

قراین داسی ښیی چی حزب اسلامی نه یواځی له حرکت سره نښتی ،بلکی بر سیره پردی چی په دی وروستیوکی یی له دوستم سره دمستیری پرماموریت باندی مخالفت ښودلی داهم دځینو جهادی جبهو په مخابروکی آوریدل شوی او ثبت شوی حزب اسلامی دوستم ته ویلی دی ترڅوورسره په هغه یرغل کی برخه واخلی چی دسرطان په-۱۵مه یی ددولت پر مواضعو لری ، مگردوستم دهغه دی غوښتی ته منفی ځواب ویلای او ورته یی په گوته کړی دی چی فقط دالوتکو په وسیله مرسته ورسره کولای شی (پیاده ځواکونویه یی په ښنگ کی برخه نه اخلی)...

موږبوحل بیا خپل دغه ادعا تکراروو چی موږ دافغانستان دروانو حالاتو په باب مناسبه اوجهادی دریځ لروچاچی زموږمشوری نه دی آوریدلی او یایی زموږپرضد ناروا تهمتونه لگولی اوپه دی یی هم بسنه نه ده کړی(زموږپرجهادی نظامی مراکزو باندی یی حملی کړی اوجنگ یی پرموږتحمیل کړی) ښه ورځ یی نه ده لیدلی (طوعا اوکرها) دی ته اړشوی دی چی زموږ ددریځ پرحقانیت باندی اعتداف وکړی - له کفاروسره موالات پریږدی اوپرهغه لاره سیخ شی چی زموږدځوارلس کلن جهاد اهداف پالی اوټول ملت داسلام مبین دین ترواکمنی اوتوغ لاندی راټولوی او هغو ی ته دیو ځلاند بختورسباوون زیری ورکوی.

هو! دا ائتلاف به حتماً ماتیږی ، ځکه چی دتالیف اوبقا عنصرپه کی نشته او حزب اسلامی به په خپلو تیرو کړو وړو ضرورپښیمانی ښیی...

موږ هیله من یو چی همدغسی وشی او تور نو دقدرت نشه خصوصاً په جهادی لور یو کی دنوی تاوتریخوالی زیږنده نشی.

د سرمقالې پاتې

دا مبارکه پروسه مولوی جلال الدین(حقانی) دپکتیا په ولایت کی پیژندل شوی فاتح قوماندان پرمخ بیوه، وروسته دننگرهارجهادی شورا او دکابل دشاوخوا سیموقو ماندانانو دښاغلی حقانی په ملتیا ډگرته راغلل -وروسته د اصلاحی توکو په منسجم کولو سره مولوی صاحب حقانی یوځل بیا ډگر ته ووت او له دوه میاشتومنځو ترړواو له مشرانو سره له کتونه وروسته یی خپله طرحه اعلان کړه .- دمولوی صاحب جلال الدین ترمشری لاندی دسولی هیئت چی دافغانستان علماو داصلاحی شورا په نوم یی فعالیت کاوه په دی مبارك اقدام کی یواځی پاتی نشویلکی په تعقیب یی دهیواد جنوب غرب حوزی مخور قوماندانان مجاهدین اوسپین گیری دستر جنرال اسماعیل خان (دهرات والی اودوسله والوقواو لوی قوماندان) تر مشری لاندی دجلال الدین حقانی طرحی ته ورته طرحه وړاندی کړه -ترڅودجگړی اطراف ورته متوجه کړی اوهغوی دی ته وهڅوی چی سوله رامنځ ته کړی ... او دا کشاله دتل لپاره پای ته ورسوی په دی ترځ کی پرته له گاونډیو هیوادو چی ځینی نمایندگان یی له دولت سره وکتل محمود مستیری دملگرو ملتوسازمان خاص استازی هم افغانستان ته راغی اوپه خپلوپاروونکوڅرگندونویی دتعمیراوترمیم پرځای یی تخریب وکړاوپه خپلی مخی پسی ولاړ...ترهغه وروسته دافغانستان اسلامی اتحاد مجاهد مدبراوعالم قیادت داسی وړاندیزوکړچی دروغی جوړی گڼ شمیرهیئتونه بایدسره منسجم شی او دیو اصلاحی انسجام په نتیجه کی داټول قوتونه دیوه دریځ په درلودلو سره په قضیه کی نقش ولری ، هسی خواتحاد اسلامی له هری هغی ډلی نه خپل ملاتړاعلانوی چی دسولی په جهت کی کارکوی...

له ښه مرغه اوس چی لیدل کیږی دا ټول اصلاحی ځواکونه کابل کی سره راټول شوی اودیوه هدف په درلودلوسره مجاهدانه هلی ځلی کوی ، اسماعیل خان په دی برخه کی له پیا وړی دریځ څخه برخمن دی ، هغه دخپل کار په لومړی پړاوکی دومره پر مخ تگ وکړ چی داستاد ربانی اوحکمتیارترمنځ دخبرواتروزمینه جوړکړی، هیله کیده چی که خدای کول دا هڅی په خپل منطقی انجامته ورسیږی، مگر هم آهنگی ائتلاف ددی هلوځلو دسبوتاژ کولو لپاره دکابل په مختلفو سیموکی دجگړی اورته لمن ووهه اودفعلاً لپاره یی دومره وکولای شول چی حزب اسلامی بیاهم منزوی کړی اوپری یی نږدی چی له استاد ربانی سره موافقي ته ورسیږی ، خوبیا هم دمومنومجاهدینو یوه خبره ده، ځکه چی ... ددی ټولواصلاحی هڅوترمنځ چی الحمد الله داسلامی اخوت اوروا داری پرمحورچورلی پرته له دی چی ددوی دنوروتوکو په منځ کی کاملاًمشابهت اومماثلت لیدل کیږی دا ټکی هم په کی مشترك دی چی هیڅ اصلاحی هیئت په دی ټینگارنه لری چی کمونستان اودهغوی مرتد ملیشی دافغانستان په سیاسی تشکیلاتو کی ځای ولری -اوټول دا اصرارکوی چی کمونستان اودهغوی ملحد ملیشی له ملکی او نظامی چارونه گوښه کړای شی ، خو یو څیز چی دنهیلی باعث گرځی هغه دادی چی دهم آهنگی شورا له جوړیدو وروسته حزب اسلامی په دی ټینگار کوی چی دوستم او دهغه ملگری دافغانستان په راتلونکی حکومت کی برخه ولری ، مستیری دملگرو ملتو سازمان نماینده هم همدغه نظر درلود ، نو ځکه خو دوستم تری خپل پلوی اعلان کړاوحزب اسلامی هم اودښاغلی حقانی طرحه چی دحزب اسلامی اودوستم له پلوه رده شوه علت یی همدغه څیزوجی هلته دوستم په رسمیت نه و پیژندل شوی...اوس چی دحزب اسلامی مشر (ښاغلی حکمتیار) وروستی مطبوعاتی کانفرانس څرگند ونوته گوروومستیری طرحه په کی رده شوی خوبه هغه پسی داسماعیل خان دهلوځلو په لړکی دښاغلی حکمتیار (ښه اونه) دارابښیی چی حزب اسلامی تراوسه هم پرهغه تعهد باندی چی له دوستم سره یی کړی ولاړ دی اولاتراوسه هم په دی برخی کی ټینگارلری چی دوستم د افغاستان په راتلونکی حکومت کی مطرح وی (!)هیله من یوچی دافغانستان دټولومسلمانو پرگنو په نمایندگی جوړ شوی اصلاحی شورا دحزب اسلامی دمنلووړ واقع شی او دا شورا وشی کړای هغه ته دکمونستو ملیشو په پرېښودلوقناعت ورکړی اودتل لپاره موجوده کشاله پای ته ورسیږی اوزموږدمجاهد ملت دکلونوکلونوامیدونو غوټی وټوکیږی اودیوآزاد، آباد مستقل او اسلامی افغانستان په لور زموږ مجاهد قیادت اوغم ځپلی ملت بریمن گامونه پورته کړی .

درحاشیهٔ...

تلقی گردد ولی درین میان کسانی هم هستند که ازخود می پرسند آیا میتوان به کمك وسایل پست و نامشروع به هدفی چنین بزرگ وعالی دست یافت.

تحلیل حکمتیاراز شورای هماهنگی وتأکیدبراینکه این شورا تحقق بخشندهٔ وحدت ملی کشور ومانع ازهم کسیختگی های قومی، زبانی، مذهبی و منطقوی است این سوال را مطرح می کند که چرا ازراه هماهنگی میان تنظیم های جهادی همفکروهم هدف وازراه تمسك به حبل الله این هدف حاصل نشد؟ چه عواملی در میان است که یك تنظیم جهادی بنیادگرا بخاطر ایجاد وحدت ملی(اگر بپذیریم که شورای هماهنگی بخاطر تحقق وحدت ملی ایجاد شده است) میتواند با گروههای کاملاً مخالف با هدف اصلی (استقرارحکومت اسلامی در کشور) کنار بیاید ولی با تنظیم های جهادی هم هدف امکان چنین کنار آمدن را ندارد؟ نیروهای دوستم که تا آخرین روزهای سرنگونی رژیم نجیب چیزی بالاترازیك نیروی نظامی اجیر که بخاطر پول از رژیم بازمانده از دوران اشغال افغانستان بوسیلهٔ روسها حمایت ودفاع میکردند، نداشتند چگونه حق نمایندگی ازملت یا یك ملیت را بدست آورده اند که اگروجود شان درشورای هماهنگی نادیده گرفته شود برای وحدت ملی کشورخطر ایجاد میکند؟ یك تعبیر ازاین سخن حکمتیارمیتوا ند این باشد که ملیشه ها گروهی بودند تجزیه طلب وراه جلوگیری ازگرایش های تجزیه طلبانه آنان این بود که به آنان درشورای هماهنگی حق نمایندگی داده می شدو حزب اسلامی نیزچنین کرد درین صورت حکمتیاردولت را که درگذشته ملیشه های دوستم را جزئی از اردوی اسلامی خوانده بود کاملاً برائت داده و موقف خود مبنی برمخالفت با دولت بخاطر وجود ملیشه ها را که بهانهٔ جنگ وویرانی کابل ازطرف وی گردید بصورت غیرمستقیم محکوم می نماید.

درین کنفرانس مطبوعاتی حکمتیار سعی دارد درعین حال که موقف حزب اسلامی بعنوان یك تنظیم جهادی با هدف استقرار نظام اسلامی درافغانستان را مورد تأکید قراردهد وحتی از بزبان آوردن کلمهٔ ملیشه نیزابائی ندارد ولی درعین حال برای استقرار صلح و امنیت دوامدار در افغانستان خلع سلاح ملیشه هاو مجاهدین هردو را لازمی بشمارمی آورد واین موقف وی با موقف گذشته وی درتضاد مطلق است درگذشته وقبل ازسرنگونی رژیم نجیب حکمتیار بار ها گفته بود که اگرحزب اسلامی درافغانستان بقدرت برسد سلاح را ازدست مجاهدین نخواهد گرفت وترجیح خواهد داد تا ملت مسلح باقی بماند و بعد از سرنگونی نجیب خلع سلاح وخلع صلاحیت شدن ملیشه ها وکمونیست ها درسرخط شرایط صلح وی با دولت قرار داشت. موقف جدید حکمتیاربه این معنی است که ازنظرحزب اسلامی دیگرتضادی میان مجاهدین و ملیشه ها وجود نداردو این مرزبندی کاملاً از میان رفته و منتفی شده است.

اینکه با وجود همهٔ این مسایل بازهم حزب اسلامی مدعی است که با پلان ملل متحد برای بازگردانیدن نظام های گذشته به افغانستان مخالف است و جزبه استقرارحکومت اسلامی به هیچ چیز دیگر در افغانستان قانع نخواهد شد حیرت آور است. نیروهای ملیشه درافغانستان را روسها اساس نهادند وهدف ازایجاد آن جلوگیری ازبرقراری حکومت اسلامی بدست مجاهدین درافغانستان بود ولی اکنون حزب ادعا دارد که با هماهنگی با چنین عناصر نظام اسلامی را در افغانستان مستقر خواهد نمود! آیا این ادعا بیاد آورندهٔ این قول شاعر نیست که :

ترسم نرسی به کعبه اعرابی
این ره که تو میروی به ترکستان است.

در حاشیه‌ء خبرها

بالاحصار فتح شو

په کابل کی دنوی اصلاحی هلوڅلو په نتیجه کی کمونستان اودهغوی مرتد ملیشی سخت قهرجن اوخواشینی دی، څکه تراوسه پوری -البته له دووکلورا هیسی سره له دی چی دوی دخپل نظامی قوت دتبارزیه لړکی زموږدنتلی هیوادوالو کوروته تباه کړل ،په زرگونوکسان یی ووژل اودلوټماریازاریی دومره تود وساتل دافغانستان تاریخ دچنگیزخان په تاړاك کی یی هم ساری نه لیدل کیږی، خومومن مجاهدین - له حزب اسلامی نه پرته -ددوی دماهیت په پیژندلواودخپل اصالت داثبات او داسلامی انقلاب له تقاضوسره سم، دوی ته په زړه کی سخته کرکه لری او په عمل کی نه غواړی-چی یوه شیبه هم دافغانستان په سیاسی نظام کی برخه ولری - مرتد وملیشو او مږزگو کمونستانو دا انگیرل چی دهم آهنگي ائتلاف په جوړولوسره به ددوی دا نقصان تلافی شی،مگرکله دا ممکن دی چی یو کافر دخپلو گټو ساتنو په غرض له مسلمان سره ودریږی (بیا دحزب اسلامی دمنطق له مخی) مسلمان شی- دوی هماغه کمونستان اوکافران دی چی ددوی غابښونه زموږخوږیدلو وطنوالوپه وینو خلم دی اولاسو نه یی ترڅنگلو په کی رنگین دی- او بیا دجرم دپاسه دبل جرم هم مرتکب شی -هوا مجاهدین دوی ته دکمونستانواودهغوی ملیشوته عمومی عفو اعلان کړی وو) مگردوی ددی عفو ی نه په استفادی سره یوځل بیا دملت وژلوته پاڅیدل...

اوس چی کمونستان اومرتد کمونست ملیشی له هری خوانه دخپلی بری لاری بندی وینی جنون وهلی، وارخطا او سخت قهرجن دی-دهمدغی غصی له امله دوی یوی خوا اوبلی خوا ته لاسونه وغزول چی بیا یوه لړه جوړه کړی، خودا کارددوی په تاوان تمام شو او اتل مجاهدین پرون ددوی پرڅالو باندی (پرهغو ځالوچی ددوی انگلیسی، روسی بادارانو او نیکه شاه شجاع ونشوای کړای دخوبنی شپی په کی سبا کړی- انگلیسان هم تری وتښتیدل ، شاه شجاع هم اوورپسی روسان اودهغوی شاه شجاعیان هم)په نابیروعملیاتو لاس پوری کړاوله څو ساعتونښتو نه یی؛ تاریخی بالاحصاراوتپه مرنجان ددوی له لوث نه پاك کړ(بالاحصاراوتپه مرنجان دمومنو مجاهدینو په لاس فتح شول-) او له هغه ځایه دالله اکبر کفر پرڅوونکی ازآنگی را پورته شوی)

دغه شرمیدلی وارخطا ملیشی چی الحمد الله مځکنی لاری پری بندی دی ،اوکه خدای کول ددوی وروستی مردارجسدونه به په زاړه مکرویان کی دکابل دسپیانومیله گرمه کړی -جنون وهلی طرخواته لاس اوپښی وهی اوددی جنون په نتیجه کی یی دخپلوازبکستانی بادارانو په مرسته یوځل بیا دهرات لرغونی اسلامی ښاردالو تکو ترگوابیتونولاندی نیولی- ویل کیږی چی په دی بمبارکی دیرملکی خلك شهیدان شوی او دیراولسی کورونه وران شوی... خو مورمطمئن یوچی ددوی دا وروستی هلی ځلی دی اودمجاهیدینو دغضب په څپوکی به دخس اوخاشاك په شان دهلاکت په لوروبهیږی -او په افغانستان کی به داسلامی حکومت په جوړیدو اودامنیت اوسولی په راتلوسره ددوی ټولی هیلی خاوری کیږی...

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی!

کنفرانس مطبوعاتی اخیرحکمتیاردرجلال آباد بخاطرمطالبی که در رابطه با قضایای جاری کشوردرآن عنوان گردید درخور توجه و دقت است. هرچند بسیاری ازمطالب عنوان شده تازگی چندانی نداشت و قبلاً این موضع حزب اسلامی را سخنگویان آن وهمچنان جریده شهادت اورگان نشراتی حزب اسلامی بارهامنعکس نموده بودند ولی ازآنجا که درحزب اسلامی معمول چنین است که حرف اول وآخررا باید حکمتیاربزند وفقط اوست که درمقام والای یك(عصا کش)مسیرراهی را که باید یاران طی کنند تعیین می نماید فرصت برای تامل درین سخنان مغتنم است .

تاکید برهدف مقدس یك حکومت صددرصداسلامی درافغانستان همیشه در سخنرانیها وبیانات حکمتیاربعنوان حسن ختام بکاررفته است ودراین کنفرانس مطبوعاتی نیزهمین هدف باردیگرموردتأئید وتاکید قرارگرفت والبته درسخنرانی روزجمعه حکمتیاردرجلال آباد وفاداری به این آرمان بروشنی بیشتر منعکس گردید که مخالفت بابازگشت نظام های پیشین وچهره های قدیم به همین استناد مردود دانسته شد تلاشهای سازمان ملل متحد نیز هدف همین تیرهلا قرارگرفت.

برای بعضی ازآنانیکه چهارده سال بخاطر استقرارنظام اسلامی درافغانستان جهاد کردند وشهید دادند با سقوط رژیم کمونستی درافغانستان بخاطرکشمکش ها و جنگ های خونین ویرانگرو بیهوده امروزخود را بیش ازهروقت دیگر از دستیابی به آن هدف مقدس دورترمی یابند شاید سخنان حکمتیار بارقهء امیدی

ص(۷).

هفته نامهء
اتحاد اسلامی
بیانگر آرمان اتحاد اسلامی افغانستان
صاحب امتیاز: اتحاد اسلامی افغانستان
سال تأسیس: عقرب ۱۳٦٤ هـ ش
ناشر: بخش فرهنگی ریاست دعوت و ارشاد
آدرس: کابل - وزیر اکبر خان مینه - روبروی مسجد جامع
آدرس پستی درپشاور:
G.P.O. Box (786)
PESHAWAR - PAKISTAN

داتحاد اسلامی مجاهد مشر پرو فیسر عبد رب الرسول سیاف...

څو ورځی وړاندی د(بی بی سی) محلی خبریال (میرویس جلیل) په پغمان کی د استاد عبدرب الرسول (سیاف) څخه داستاد ربانی ددوری پوره کیدو په باب وپوښتل استاد ځواب ورکړ: استاد ربانی نه په چوکی مین دی او نه په قدرت کی پر پاتی کیدو ټینگار کوی.

یواځی اوپه کوم شی چی هغه تاگید کوی او ما په وار،وار، ترینه اوریدلی دی هغه داده چی په هیواد کی داسی یو مطمئن حالت را منځ ته شی چی بیا څوك دغلته داسی گډوډی را پیدا نکړی دا کومی چی په دی دووکالوکی روانی وی دا مطمئن حالت که دا نن هم‌را پیدا شی هغه چی کومه وعده کړی ده وایی زه په دی ټینگارنه لرم چی زه دی یم په همدی خاطرزه وایم که چیرته مفاهمه او مذاکره د مجاهدینو قوماندانانو د تنظیمونو دمشرانو او والیانو ترمنځ خاصه دهغو مشوروپه نظرکی نیولو سره چی اصلاحی شورا ترزیات حده پوری برابری کړی دی نوکه ددغو په رڼا کی یوځه هلی ځلی وشی اویو مطمئن حالتُ را منځ ته شی داستاد ربانی لخوا زه فکرنه کوم چی کوم خنډ اواشکال موجود وی.

دبی بی سی- خبریال ددی پوښتنی په ځواب کی چی آیا تاسو دهرات په غونډه کی گډون کوی ؟ استاد وویل : که چیری دقضیی دحل په ارتباط دمشرانو ټولیدوته د څه ضرورت موجود شی که هرات وی که جلال آباد وی که کندهاروی که کابل وی هرځای کی چی وی مونږدځان دحاضریدو په وړاندی څه مشکلات نه وینو.

پوښتنه: دملگرو ملتو دسوله ایزو هڅو په باره کی څه نظرلری؟

ځواب ! زما په نظر زموږدملك لانجه چی په داخل کی حل نشی دبهرنه نه حل کیږی او هغه پرو گرامونه چی دبهرنه دسولی په نامه په لاره لویدلی دی زه فکر کوم چی مونږ.ته به مشکلات لا زیات کړی او ددی ملك مشکل به ور باندی کم نشی.

شهر کابل از لوث وجود ملیشه ها...

روز شنبه-٤- سرطان ساعت پنج صبح عملیات برق آسائی مجاهدین اتحاد اسلامی و دولت اسلامی بالای مستحکم ترین ومهم ترین سنگرهای ملیشه های جنایتکار در بالاحصار وتپهء مرنجان آغازگردید واینك بعد ازگذشت دو روز ازاین عملیات کفر شکن، ملیشه ها تمام سنگرها ولانه های فساد خود درکابل را ازدست داده و فرار کرده اند.

این عملیات قبل ازآنکه پلان ننگین ائتلاف هماهنگی برای حملهء وحشیانه به کابل و قتل عام مردم آن عملی شود آغازگردیدو بدینگونه کودتای ننگین و دسیسهء سنگین دیگری خنثی شد.

مجاهدین بعد ازآغاز حمله درساعت پنج صبح به سرعت به سوی مواضع ملیشه ها پیشروی کردند و تا ساعت پنج عصر همانروز بالاحصار وتمام پوسته های اطراف آنرا فتح کردند.

روزدوم که یکشنبه و مصادف با پنج سرطان بود ، ساعت چهارصبح عملیات بالای تپهء مرنجان یکی دیگرازمستحکم ترین مواضع ملیشه های ملحد آغازشد و تا ساعت یك ونیم بعد ازظهرتپهء مرنجان وتمام کمربند های آن ، غند (٥۲)، بلاك های مکرویان کهنه تانگ تیل لوگر، قلعچه، کارتهء نو واطراف آن، شاه شهید، نقلیه سیاه سنگ ، فابریکه ء قیر، قلعهء زمان خان ،به تصرف سپا هیان بت شکن اسلام در آمد.

درین عملیات (۳..)تن ازملیشه هاکشته و-٥..-تن اسیر و تعداد زیادی مجروح شده اند و تمام وسایط نقلیه وسلاح ثقیله وخفیفه‌ءدشمن و دیپو های آن توسط مجاهدین به غنیمت گرفته شده است.

مردم این مناطق که ازظلم وجنایات ملیشه هابه تنگ بودند ، اکنون به خانه های خود آزادانه رفت وآمد می کنند.

عملیات و پیشروی مجاهدین برای تسخیرسنگرهای دیگردشمن ادامه دارد.

د ده دانا، دوغ آباد او دارالامان مانی...

کابل داتحاد اسلامی خبریال دچنگاښ (٦)

داسلامی دولت اردودحرکت اسلامی دمجاهدینو په ملتیا د دارلامان مانۍ، ده دانا اودوغ آباد سیمی دحکمتیارله افرادو نیولی اوهغه یی په بشپړه توگه ترخپل کنټرول لاندی راوستی.

دکابل څخه داتحاد اسلامی دخبریال درالیږلی خبرله مخی دا یرغل دحکمتیار قواوو دڅو پرله پسی حملووروسته پیل شواوپه څوساعتونو کی ددارلامان ماڼی، ده دانا اودوغ آباد سیمی دخیرآباد دتپی ترشا پوری دهغوی له قواو څخه تصفیه شوی.

خبرزیاتوی: په دی بریالیو عملیاتو کی ددښمن دزیات شمیرافراد د نیولو سر بیره(۱٥) تنه بهرنی اتباع هم نیول شوی .

خبرپه پای کی لیکی : داسلامی دولت داردو عملیات دوام لری اوگام په گام پرمخ ځی دیادولو وړده چی تراوسه له دښمن څخه د(۱۰) زیات ټانگونه اونقلیه وسیلی او همدارنگه زیات شمیر مهمات په غنیمت نیول شوی اونوردرانده تلفات ورواښتی.

د دعوت اوجهاد پوهنتون خبرتیا

ددعوت اوجهاد پوهنتون داصول دین اوددعوت پوهنځی تمهیدی ټولگی ته چی(۱٤۱٤)هجری قمری تعلیمی کال کی بریالی شوی ؤ هغه محصلانوته چی به تیرتعلیمی کال کښی حاضرشوی ندی یائی تأجیل اخستی، خبر ورکول کیږی چی د پوهنتون عالی شوری پریکړه په اساس چی ددی پس به تمهیدی ټولگی نه وی نولدی امله دغه محصلانوته د سیږکال دکانکورپه ازموینه کښی د گډونکولو یو بل چانس ورکولای کیږی چی باید دنوی تعلیمی کال دکانکورپه ازموینه کښی گډون وکړی ترڅو دتمهیدی کال په ځای داصول الدین شرعیاتو او عربی ژبی ادبیاتو پوهنځیو لومړنیو ټولیگیوته کامیاب شی.